

# سالروز قیام و سپاهکل گرامی باد

صفحه ۳

## رهنمودهای صندوق بین المللی پول، اصول مقدس سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی

در پس گرد و غباری که جناح های حکومت بر سر انتخابات مجلس ششم برپا کرده اند، بحث بسیار با اهمیتی پیرامون چگونگی غلبه بر بحران اقتصادی در جریان است. بحث بررس این است که داروی شفا بخش اقتصاد بیمار و از هم گشخته، سپردن همه چیز به دست سرمایه داران بخش خصوصی داخلی و انحصارات بین المللی است. گفته می شود که ورود هرچه بیشتر سرمایه های خارجی، و بازگشتن کامل دست سرمایه داران داخلی، رشد اقتصادی بوجود می آورد، به رونق اقتصادی می انجامد، اشتغال ایجاد می کند و قدرت خرید توده مردم را افزایش می دهد. جناح های درون حکومت بویژه جبهه موسوم به دوم خرداد به همان میزان که بررس تاثیر انتخابات مجلس ششم بر اوضاع سیاسی غلوتی کنند، تلاش دارند تاثیر صفحه ۴

## روحیه تعرضی و مبارزه کارگری در حال افزایش است

مبارزه کارگران برای افزایش دستمزدها، پرداخت حقوقهای معوقه، بهبود امکانات رفاهی، تضمین شغلی و سایر مطالبات کارگری در حال افزایش است. در برابر فشارهای فزاینده اقتصادی و سیاسی، کارگران ایران راه دیگری جزتشدید مبارزه در برابر خود نمی بینند. قیمت کالاهای و مواد مورد نیاز کارگران مددoma در حال افزایش است. سطح دستمزدها بقدری نازل است که کارگران با دستمزدهای ناچیز خود، به هیچ وجه نمی توانند حتی نیمی از مخارج زندگی خود را تأمین کنند. در برابر افزایش بسیار ناچیز دستمزدهای اسمی، دستمزد واقعی کارگران همواره روشنی نزولی پیموده و کاهش یافته است. این بدان معناست که سطح معیشت کارگری روز بروز تنزل یافته و برقفر و گرسنگ خانواده های کارگری، هر روزه افزوده شده است. اکثریت قریب به اتفاق کارگران در زیرخط فقر بسر می برند. یک عضو اجرائی خانه کارگر در گردهم آئی ۲۵ دیماه کارگران غرب تهران در این مورد چنین اعتراف می کند که "کلیه درآمدهای اغلب صفحه ۶

مجلس دفاع می کند و به جناح مقابل که "از سر خیر خواهی خود را قیم مردم می داند" چنین نصیحت می کند که کاری نکنند که "مردم از مجازی غیر مجاز" دنبال حقوق از دست رفته خود بروند، اما بسیاری از افراد جناح مقابل زیر بار این قضایا نمی روند و اصولا هیچ قرائتی جز قرائت خویش از اسلام و دین رانی پذیرند و حتی جریان "اصلاح طلب" را، دشمن اسلام و نظام نیز میخواهند. شورای نگهبان اما بدون توجه به این بحث ها و مصلحت اندیشی ها، کار خود را قبل از هرچیز با رد صلاحیت افراد و جریاناتی که "غیرخوبی" تلقی میشوند آغاز کرد. تمامی نامزدهای واپسیت به این نیروها که عنوان نیروهای "ملی - مذهبی" را یدک می کشیدند و از جمله در برگیرنده خویش نظیر امثال نهضت آزادی، جبهه ملی و جنبش مسلمانان مبارز بودند، رد صلاحیت شدند. عزت الله سحابی، ابراهیم یزدی، حبیب الله پیمان و امثال اینها، با وجود آنکه بارها اعتقاد و التزام خود را به اسلام، قانون اساسی و ولایت فقیه اعلام کرده بودند، اما باز هم به دلیل عدم التزام عملی به اسلام و قانون اساسی و ولایت فقیه حذف شدند. در میان "خودی" های نیز هر کس جرات کرده بود و زمانی به زبان درازی علیه شورای نگهبان و جناح آن پرداخته بود، بی هیچ معطلي رد صلاحیت و از گردنده رقبات ها حذف شد. بهررو، در حالیکه اهرمهای واپسیت به این جناح مشغول مانع تراشی ورود رقبا به عرصه به اصطلاح انتخابات و حذف آنها بود، جریانات شکل دهنده آن یعنی جامعه صفحه ۲

## مجلس فلج و نزاع جناح ها بر سر کرسی های آن

انتخابات مجلس ششم که قرار است ۲۹ بهمن برگزار شود، به یکی از عرصه های کشمکش جناح های حکومتی برسر قدرت تبدیل شده است. جنجال و نزاعی که از چندین ماه قبل پیرامون این موضوع راه افتاده بود، کماکان ادامه دارد. جناح های حکومتی برسر کسب کرسی های بیشتر مجلس، به رقابت و زور آزمائی با یکدیگر برخاسته اند. جناح بازار و رسالتی ها، با یک نقشه حساب شده و تدارک قبلی وارد این میدان شده اند. در حالیکه این جناح باستفاده از اکثریت مجلس فعلی، چندین طرح را به نفع خود از تصویب مجلس کشاند، (۱) معهداً روشن بود که صرفا به این مصوبات اکتفا نخواهد کرد و در برابر رقبای خود از سایر ایزارها و اهرمهای خویش نظیر صدا و سیما بویژه شورای نگهبان نیز وسیعاً استفاده خواهد کرد. با ایستی اضافه کرد که این جناح برای محدود کردن گروه های رقیب و علی الخصوص "غیر خوبی ها" از اعزام گروههای فشار و انصار حزب الله به سراغ آنها و برهم زدن جلسات سخن رانی و تبلیغاتی شان نیز سود می جست. (۲) در حالیکه برخی افراد منتبه به جناح خاتمی منجمله برادر رئیس جمهور، دبیرکل جبهه مشارکت اسلامی از سخت گیری کهتری در مورد حذف نامزدها طرفداری میکنند و براین اعتقادند که "مجلس ثالث آرام به معنای جامعه آرام است" چرا که "هرگزوهی احساس کند که می تواند حرف خودش را از تریبون های رسمی بزنند نیازی به مطرح کردن آن در خیابان ها نخواهد بود" و به همین دلیل از تعدد نظرات در

### در این شماره

- اعتراضات کارگری، سازمان تأمین اجتماعی را به عقب نشینی و امیدارد صفحه ۷
- جنایات حکومت اسلامی به ۴ یا ۸۰ قتل سیاسی محدود نمی شود صفحه ۱۶
- شورش های تپیدستان شهری صفحه ۸
- بازگشت «آلنده» ای دیگر به شیلی ! صفحه ۱۵
- اخبار از ایران صفحه ۹
- اخبار کارگری جهان صفحه ۱۱
- اطلاعیه ها صفحات مختلف



## اعتماد غذای

## دانشجویان زندانی در تهران

خبر رسانیده حاکی است که از ۳ روز پیش دانشجویان آزادی به اعتراضات تیرماه سال جاری در بیانگاههای حکومت اسلامی به جسیکی مسکن ملک شدند، دست به اعتراض غذا زده اند. رئیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که دانشجویان را به اتهامات سیاسی به محکمه کشید و محکوم نمود، به منظور تعقیب و درهم شکستن روحیه مقاومت در آنها، دانشجویان زندانی را در بند زندانیان عادی و متممین به قتل و مواد مخدر قرار داده است. این اقدام رژیم، مورد اعتراض دانشجویان در بند قرار گرفت و از آجانی که به خواست آنها ترتیب آثر داده نشد، دست به اعتراض غذا زدند. گفته می شود که وضعیت جسمی برخی از دانشجویان زندانی در تیغه این اعتراض غذا رو به خامت نهاده است. دانشجویان زندانی اعلام کردند اند تا تحقق خواستهایشان به اعتراض غذا ادامه خواهند داد سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن محکوم کردن اقدامات ارتجاعی رئیم علیه دانشجویان زندانی و دفاع از خواستهای برحق آنها، هشدار می دهد که جان این دانشجویان در خطر است و از سازمانهای پسر دوست، دمکراتیک و مدافعان حقوق پسر می خواهد که رئیم را برای پذیرش خواستهای دانشجویان زیر فشار قرار دهد.

**باد رژیم جمهوری اسلامی - برقراریاد حکومت سورائی**  
سرنگون  
سازمان فدائیان (اقلیت)  
۱۳۷۸/۱۰/۲۲

**کار - نان - آزادی - حکومت سورائی**

تهران را اعلام کند اما در عوض جریان های شکل دهنده این جبهه هر کدام لیست های جدا گانه ای منتشر کرده اند.

با این شرایط بالتبه متفاوت است که جناحهای اصلی رژیم پس از حذف "غیرخودی" ها، برای بازتقصیم کرسی های مجلس به استقبال انتخابات مجلس ششم میروند. معهداً نتیجه انتخابات هرچه باشد و کرسیهای آن به هرنسنی که میان جناح ها تقسیم شود، اما این نکته روش است که اولاً جنجال جناح ها در مورد انتخابات فرمایشی و بر سر قدرت، ربطی به متفاوت توده های زحمتکش مردم ندارد. اکثربت مردم زحمتکش مدتی که این روز تقدیم کنند! این حضرات طرفدار رفسنجانی، استاد بندیانزی که این بار بعنوان شاه مهره جناح خامنه ای قرار است بحث های مجلس را کنترل و امور آن را رقت و فتق کند، مجلس ششم را به مجلسی فلوج و بی خاصیت تراز مجالس پیشین تبدیل خواهد کرد.

**زیر نویس ها:**

۱- برای نمونه میتوان از تصویب نظارت استصوابی، الحاق چند ماده به قانون نظارت شورای نگهبان، بالا بردن سن رای دهندگان، قانون مطبوعات، پائین آوردن میزان حد نصب آراییجاد محدودیت تبلیغاتی برای جناح مقابل، وغیره نام برد.

۲- برای مثال سخنرانی ابراهیم یزدی دبیرکل نهضت آزادی را در قزوین برهم زند و اصغرزاده را در رشت مجرح کردد و ...

۳- رسالت ۲۱ دی ۷۸

۴- رسالت ۲۲ دی ۷۸

**مجلس فلوج و نزاع جناح ها بر سر کرسی های آن**

رفع مشکلات آنها هستیم. " امروز بزرگترین آسیبی که نظام را تهدید می کند، اعتماد سوزی است "(۳) آیت الله کنی از عناصر با نفوذ این جناح نیز از ضرورت تفاهم دو جناح فوق و ایستادن در برابر کسانی که نظام را زیر سؤال می برد صحبت کرد. او گفت " من در یک ملاقاتی به جناب آقا کروبی عرض کردم کمن و شما هر دو مسلمان، شیعه و انتقلابی و پیرو امام خمینی و معتقد به حاکمیت دینی بوده و قانون اساسی را قبول داریم و از ابتدا هم در حرک انتقلابی حضور داشتیم و امروز باید در برابر آنها که می خواهند تمامی ارزشها و اصول انتقلاب و نظام را زیر سؤال ببرند باشیم، طوری نباشد که مخالفین اسلام و انتقلاب از اختلاف سلیقه من و شما سو استفاده کند "(۴). به دنبال این رشته سخن ها و سرانجام از پی یک سری بدء بستان ها، شماری از "خودی" های رد صلاحیت شده و معمدان نظام تأیید شدند تا هم رضایت آقا رئیس جمهور حاصل شود و همدرد عین حال آرای نامزدهای این جناح ها در رقابت با یکیگر شکسته شود. بهرور وقت اعتماد سوزی نبود. جناحها در فک جلب آراؤ و مشارکت عمومی اند و می باشیت در فک بر طرف کردن آسیب و خطر از سر نظم باشند! آقا رئیس جمهور با گفتن اینکه حقی از کسی ضایع نمی شود، رضایت خویش را اعلام کرد. طرف داران و نیز همگی به تعریف و تمجید از شورای نگهبان برخاستند. این مرجتعین که اصل قضیه نظارت شورای نگهبان و نفس تعیین نامزدها توسط این نهاد را به سکوت برگزار کردند و غیر این هم نمی توانستند بکنند چرا که آن را قبول دارند، از اینکه شورای نگهبان درصد رد صلاحیت شده ها را نسبت به گذشته کاهش داده است، با شعف بسیار، اظهار قدرانی کردند و کم مانده بود که جوابی نیز به اعضاء این نهاد تقدیم کنند! این حضرات طرفدار "جامعه مدنی" فی الواقع یکبار دیگر هم نشان دادند که جنجال و اختلاف آنها، صرفاً بررسید است آوردن سهم بیشتر از قدرت است و گرنه در دفاع از نظارت شورای نگهبان و اعتقاد به آن، هیچ مشکلی ندارند. الیکار می خواهد که این انتخابات را در این شرکت در خانه ای که طبق معمول شرکت در انتخابات را تکلیف آن الهی و اسلامی خواند و از مردم خواست با شرکت در آن به افراد متین و کسانی که مبانی اسلام را قبول دارند، رای بدنه، در عین حال از دست هائی که برای تشنج آفرینی در محيط انتخابات فعال اند یاد کرد و آن را " دستهای بیگانه و خائن" خواند. آیت الله جنتی عضو فقهای شورای نگهبان نیز علیه کسانی که از این طریق "مشغول تشویش اذهان عمومی" بودند، هشدار داد و تهدید کرد که "پس از فرونشستن گرد و غبارهای موجود" پاسخ مناسب بدهیں عده داده خواهد شد! نامزدهای حذف شده و طرفداران خاتمی نگاهشان به رئیس جمهور بود و سرانجام خاتمی در دیداری با شورای نگهبان سعی کرد اوضاع را کمی تعديل کند. "خودی" ها می باشند متفقاً مراقب باشند که اوضاع از دست آنها خارج نشود. مدیر مسئول روز-

نامه رسالت گفت جامعه روحانیت و مجمع روحانیون در اصول مشترک اند و نباید نسبت بهم سو ظن داشته باشند و یا در صدد حذف هم برآیند. وی خطر و آسیب اصلی را دراز بین رفتن اعتماد مردم نسبت به مسئولان حکومتی دانست و گفت دستهای در کار است که اعتماد سوزی کند و ما باید اعتماد سازی کنیم! او به صراحت خاطرنشان ساخت که مسئله اصلی، بازسازی اعتماد عمومی به جناح هاست و باید به مردم بقولانیم که در صدد خدمت گزاری و



## دستمزد کارگران ۵۰۰ کارخانه ماههای است که به تعویق افتاده است



# سالروز قیام و سیاهکل گرامی باد

کارگران ایران با استثمار و حشیانه‌ای روپرور هستند. سرمایه داران شیره جان کارگران را می‌مکند و از قبل استثمار آنها میلارداها تومن سود به جیب می‌زنند. اما کارگران از تأمین حداقل معیشت خود نیز محروم‌اند. درحالیکه بهای کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران روز به روز افزایش می‌یابد، دستمزدهای واقعی پیوسته کاهش می‌باشد و سطح معیشت کارگران دانش تنزل می‌یابد. لذا عموم کارگران با فقر و بدینتی روپرور هستند و زندگی خود را با سختی می‌گذرانند.

در چین اوضاعی، سرمایه داران حتی از پرداخت بحقوق دستمزدها و مزایای کارگران سریز می‌زنند و اکنون دهها هزار کارگر در سراسر ایران ماههای است که حقوق خود را دریافت نکرده‌اند. ابعاد این مستله امروز به حد رسیده است که معاون وزیر کار حکومت اسلامی نیز اعتراض می‌کند که «هم اکنون بیش از ۵۰۰ کارخانه در کشور مشغول فعالیت هستند که کارگران آنها بین ۳ تا ۱۵ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند». البته آمار معاون وزیر، کارخانه‌های را در بررسی گیرد که سرمایه داران آنها را تعطیل و کارگران را بلاکلیف و گرفته به حال خود رها کرده‌اند. چه کسی در این سیاست جوابگوی دهها هزار کارگری است که چندین ماه حقوق خود را دریافت نکرده و با فقر و گرسنگی روپرور هستند؟ سرمایه داران دستمزدها را نمی‌پردازند و وزارت کار سرمایه داران صرفاً آمار و ارقام اعلام می‌کند. کارگران نیاید به دولت سرمایه داران و وزارت کار آنها امید بینند. تنهای از طرق اعتراض و مبارزه و محبتگری کارگران است که آنها می‌توانند سرمایه داران و دولت آنها را مجبور نمایند که حقوق معوقه‌شان را پرداخت کنند. کارگران از طریق اعتصابات، تجمع، راهپیمایی و تظاهرات در خیابانها، می‌توانند مطالبات خود را به کرسی‌نشانند.

### مرگ بر نظام سرمایه داری

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقوار باد حکومت شورائی سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۸/۱۰/۱۹

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

۲۹ سال از ۱۹ بهمن ۱۳۴۹، روزی که گروهی از پیشگامان جنبش انقلابی کمونیستی ایران با نبرد حمامی خود در سیاهکل، موجودیت سازمان ما را اعلام نمودند، سپری شد. با فرارسیدن ۱۹ بهمن، سازمان ما به سی‌امین سال حیات خود گام می‌نمد، در سراسر این دوران که سه دهه به طول انجامیده است، مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم با پیگیری تمام ادامه یافته است.

از همان روزی که رفقای ما در سیاهکل نبرد قهر آمیزی را با رژیم شاه آغاز نمودند و به نظم موجود اعلام جنگ دادند، آنچه که به هویت سازمان ما شکل داده است، دشمنی آشتبانی ناپذیر با نظام سرمایه داری، اعتقاد به سوسیالیسم و مبارزه در راه تحقق آن بوده است. اگر به رغم سرکوبی‌های وحشیانه رژیمی حاکم بر ایران در طی سه دهه و کشتار و به بند کشیدن هزاران فدائی، ما باز هم پیگیرانه به مبارزه خود ادامه داده‌ایم، از این اعتقاد منشاء گرفته است که راه نجاتی برای بشریت ستمدیده جز سوسیالیسم وجود ندارد. نظم سرمایه داری موجود، نظری که در آن طبقه سرمایه دار، طبقه کارگر را استشمار می‌کند، نظمی که در آن اکثریت عظیم مردم به فقر و بدینتی محکوم شده و تعداد قلیل افراد، شرکتی‌های انسانه‌ای اندوخته‌اند، این نظم، نظری غیر انسانی و ضد بشری است که باید برانداخته شود و به جای آن نظمی بقرار گردد که در آن هرگونه ستم و استثمار، بندگی و فقر و نابرابری اجتماعی برافتا به باشد و انسانهای آزاد و برابر، جامعه‌ای انسانی را سازمان دهدن. این تنها یک آرزو و آرمان نیست، این یک ضرورت تاریخی است که تمام تحولات جامعه بشری پیش شرط های عینی و مادی تحقق آنرا فراهم نموده و علاوه بر این طبقه کارگری آفریده شده است که توان و رسالت برانداختن نظام طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای بدون طبقات را دارد. ما به این دگرگونی و رسالت عظیم طبقه کارگر باور داریم و برای آن تلاش می‌کنیم. در عین حال سازمان ما همراه براین اعتقاد بوده است که بدون آزادی مردم، بدون این که آزادیهای سیاسی و حقوقی دموکراتیک و مدنی مردم تأمین گردد، تحقق هدف عالی سوسیالیسم نیز ممکن نیست. از این روست که سازمان فدائیان از همان آغاز، مبارزه برای تحقق آزادیهای سیاسی مردم را وجه دیگری از مبارزه خود فرار داده است. سالهای طولانی است که رژیم‌های سرکوبی‌گر حاکم برایران مردم ایران را به بند کشیده و با اعمال دیکتاتوری عربیان، ابتدائی ترین حقوق انسانی و آزادیهای سیاسی را از مردم سلب کرده‌اند، اما با تمام سرکوب و خفچان نیز توانسته‌اند مردم را از مبارزه طبقه کارگر باور دارند. مبارزه سوسیالیسم در طول یک قرن گذشته همراه

ادامه داشته است. در ادامه همین مبارزات بود که رژیم سلطنتی شاه با قیام مسلحانه توده مردم در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ سرنگون شد. اما اختناق و سرکوب سالهای طولانی مانع از آن شده بود که طبقه کارگر و توده مردم آگاه و متشكل گردند، خود رأساً قدرت را بدست بگیرند و خواستهای خود را متحقق سازند. طبقه سرمایه دار از این ضعف تشکل و آگاهی توده مردم استفاده کرد و بار دیگر رژیمی وحشی تر و ارتتعاجی تر از رژیم شاه را به مردم تحمیل نمود، انقلاب را در هم شکست و تمام دست آوردهای مردم را از آنها بازپس گرفت. برغم تمام جنایاتی که رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران مرتکب گردید و با تمام سرکوب و اختناق نیز توانست، مطالبات مردم و مبارزه آنها را بکلی درهم بکوید، مبارزه ادامه یافته. این مبارزه اکنون به مرحله ای رسیده که رژیم را با یک بحران سیاسی ژرف روپرور ساخته است. کارگران و زحمتکشان به پا خاسته‌اند تامطالبات و اهداف خود را که با به قدرت رسیدن سرکوب عربیان کارساز است و نه عوام فربی‌های سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی عملی سازند. دیگر نه سرکوب زحمتکشان روز به روز اعتلاء می‌یابند. در همین چند ماه گذشته کارگران و طرفداران خاتمی برای نجات رژیم، مبارزات روز به روز اعتصابات، تظاهرات و سنگینی‌زده‌اند. این مبارزات که زحمتکشان و دانشجویان در صدها مورد دست به اعتصاب، تظاهرات و سنگینی‌زده‌اند. این مبارزات که دانشمندان در حال گسترش و اعتلاست، نوید بخش تحول اوضاع انقلابی است.

سازمان فدائیان (اقلیت) که در تمام دوران رژیم جمهوری اسلامی، پیگیرانه و سرخخانه علیه این رژیم مبارزه کرد و از اهداف و آرمانهای سوسیالیستی و آزادیخواهانه کارگران و زحمتکشان دفاع نمود، امروز نیز پیگیرانه از این اهداف و آرمانها دفاع می‌کند و در سالروز قیام و سیاهکل کارگران و زحمتکشان را به سرنگونی تام و تمام رژیم جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی فرامی‌خواهد.

### سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقوار باد حکومت شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

بهمن ماه هزار وسیصد و هفتاد و هشت

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی



## اعتصاب کارگران مجتمع گشت و صنعت لرستان

کارگران مجتمع گشت و صنعت لرستان از روز ۱۳۷۸ بهمن ۱۳۴۹ در اعتراض به سطح نازل دستمزد و اخراج‌ها دست به اعتضاده‌اند. کارگران می‌گویند که مستولین شرکت، واحدی‌های مختلف این مجتمع را به واپستانگان خود واکنار نموده و تعدادی از کارگران را اخراج کرده‌اند. کارگران می‌گویند در حالی که مستولین شرکت سودهای کلانی به جیب می‌زنند، کارگران حداقل حقوق و مزایا بی‌پهلواند. برطبق اخبار روزنامه‌های رژیم، اتفادات مذکور برای پایان داد به اعتضاب این روز، اتفادات مذکور برای این حالت اعتصاب کارگران را می‌دانند. این حالت اعتصاب از این حادثه ناشی شد. اما کارگران گفتند که تا تحقق خواستهای خود به اعتضاب پایان نهادند، اما کارگران گفتند که تا نمی‌دهد. علاوه بر این، سرمایه داران همه روزه گروه کارگران را اخراج می‌کنند. کارگران موسسات مختلف در برابر این زورگوئی‌ها و ستم‌گری‌های سرمایه داران و دولت آنها به پا خاسته‌اند. اخراج‌ها باید متوقف شوند و دستمزد کارگران به نحوی افزایش یابد که تامین‌کننده حداقل معیشت یک خانواده ۵ نفره کارگری باشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقوار باد حکومت شورائی  
سازمان فدائیان (اقلیت)

۱۳۷۸/۱۰/۲۸

کار - نان - آزادی - حکومت شورائی

## رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول، اصول مقدس سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی

توسط روزنامه همشهری انجام شد، گفت: "اکنون دریخش دولتی نیز این اجماع وجود دارد که انحصار دولتی کنارگذاشته شود و یک نوع رقابت با بخش خصوصی فراهم آید. گرچه تاکنون، این نفع انصصار، مغایر با قانون اساسی که ۲۰ سال پیش تصویب شده است. اما به نظر میرسد این امکان وجود دارد که تقاضیری که با عرف عمومی انتطاق داشته باشد از همین قانون به عمل آید بدون آنکه نیازی به تغییر قانون داشته باشیم." او دردامنه به تغییراتی که دردو دهه گذشته درسطح جهان و در ایران روی داده اشاره کرد و افزود: "یکی از تغییرات عمده درطی دو دهه اخیر همین تصور از دولت و دولتی بودن است. دردهه ۷۰ یک گرایش دولتی کردن در همه دنیا از جمله ایران حاکم بود و بسیاری، از جمله خودما تصور میکردیم که یک دولت صالح حتی بهتر از بخش خصوصی عمل می‌کند و کارکرد اقتصادی آن بالاتر و بهتر است و عدالت اجتماعی از این طریق واصل می‌شود."<sup>(۴)</sup> چنانچه از سخنان عبدي پیداست و از ظهار نظرسایر سران جمهوری اسلامی نیز مشهود است، در حال حاضر در حکومت اسلامی همگان متفق القولند که همسو شدن با "حقایق اقتصادی بین‌الملل" تنها راهی است که برای غلبه بر بحران اقتصادی در برابر جمهوری اسلامی قرار دارد.

### اشکال مالکیت اقتصادی از ۵۷ تا به امروز

طی دو دهه که از حاکمیت جمهوری اسلامی میگذرد، سیاست‌های اقتصادی همواره یکی از مسایل مورد بحث بوده است. پس از انقلاب بهمن ۵۷، حکومت جدید تحت فشار کارگران و زحمت کشانی که از ستم سرمایه به تنگ آمده بودند، و تبلیغات نیروهای چپ و رادیکال، ناگزیر شد از برخی سرمایه داران خلع ید کند. در تعدادی از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی، کارگران، سرمایه داران را بیرون کردند. برخی سرمایه داران خود فرار را ترجیح دادند و به خارج از کشور گریختند. باین ترتیب بخش قابل توجهی از صنایع بزرگ و مدرن و همچنین کل سیستم بیمه و بانکاری دولتی شدند. از اوایل دهه ۶۰ نقش بخش خصوصی و بازار پیوسته مورد جنگ و جدل جناح‌های درونی حکومت بود. جناح موسوم به "بورژوازی سنتی" یا همان رسالتی‌ها، بنا به پایگاه اقتصادی‌شان، خواستار کاهش کنترل دولت و نقش آن در اقتصاد بودند و سهم بیشتری برای بخش خصوصی طلب می‌کردند. جناح دیگر، یعنی جناح حزب الله از جمله آقای عباس عبدي و همکران آنروز وبرخی از هم‌فکران امروزش سرسختانه حامی نقش گسترده دولت در اقتصاد بودند. این گرایش با اتکا به توازن قوای آنروز جهانی که امکان مانور دادن به دولت هایی از قبیل جمهوری اسلامی را میان دو قطب آمریکا و شوروی فراهم میکرد، می‌خواستند با اتکا به اقتصاد دولتی، و با طرح شعاری کاذب ضد امپریالیستی، پان اسلامیسم ارجاعی شان را اشاعه دهند. درین میبینند. عباس عبدي در نظر خواهی پیش گفته که

گریز ناپذیر خواهد بود". نویسنده مقاله روزنامه آزاد، در پایان نتیجه گرفت: "بازنگری جامع در قانون اساسی واژجمله اصل ۴۴ اینک یک ضرورت تعویق ناپذیر است".<sup>(۲)</sup>

برنامه سوم اقتصادی و اصل ۴۴ قانون اساسی هم-چنین موضوع نظر خواهی روزنامه همشهری از برخی صاحب‌نظران و شخصیت‌های سیاسی جمهوری اسلامی بود. درین نظر خواهی سعید لیلaz روزنامه نگارنیزدیک به کارگزاران سازندگی که از مدافعان سر سخت نویلیرالیسم اقتصادی و سیاست‌های موسسات مالی بین‌المللی است، در ارتباط با "جوهر" برنامه سوم توسعه اقتصادی که همان لغو انصصار دولتی و باز گذاردن کامل دست سرمایه داران خصوصی داخلی و بین‌المللی است از جمله گفت: "... برنامه سوم انقلابی ترین لایحه‌ی بود که یک دولت به مجلس نقدیم کرده است... تحولات اقتصادی ایران و جهان در طی دهه اخیر آنقدر ژرف بود که قانون اساسی حتی با تغییر هم قدرت انتطاق با شرایط روز را ندارد..."

بنابراین باید به سوی جذب سرمایه خارجی و خصوصی حرکت کنیم و اکرامکان آن وجود نداشته باشد، معنی آن اینست که کشور را از لحاظ اقتصادی وارد مرحله بحران کرده‌ایم".<sup>(۳)</sup> یکی بیگر از فارادی عباس عبدي بود. دفاع کارگزاران سازندگی از خصوصی سازی البته موضوع تازه‌ای نیست. تکنو-

کراتی‌هایی که هم‌اکنون در "حزب کارگزاران سازندگی رفسنجانی" پست‌های دولتی داشته‌اند، از مدافعان پر و پا قرص نویلیرالیسم اقتصادی هستند و آشکارا از اقتصاد "بازار آزاد" دفاع می‌کنند. در رابطه با آنان، مسئله تازه، تعمیق نظراتشان تا آنچاست که می‌گویند اگر "حقایق اقتصادی بین‌الملل" در نظر گرفته نشود، "فروپاشی کامل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی" جمهوری اسلامی "گریز ناپذیر" خواهد بود. اما دفاع عباس عبدي از اقتصاد بازار "بسیار شنیدنی است. رفسنجانی پست‌هایی دارد که از مدافعان بیان می‌کند، می‌گویند "بدون پیوستن به سازمان تجارت جهانی، اقتصاد ایران میمیرد. همان طوری که ما باید مسایل اقتصاد ایران را با حقایق اقتصادی بین‌الملل همسو کنیم، اقتصاد بین‌الملل نیز باید ما را بپذیرد". وی پیش نیاز ورود ایران به سازمان تجارت جهانی را پذیرش مقررات سایر اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: "آنچه در صحنه بین‌الملل رخ می‌دهد، قواعد خود را دارد و اقتصاد ایران باید قواعد بازیهای بین‌الملل را بپذیرد". او در همین زمینه به ضرورت "استاندارد سازی" در قانون کار، مقررات تجاری و بازارهای پول و سرمایه‌اشاره کرد و افزود: "هر چند امکان دارد که قوانین و استانداردهای جدید با مقررات و قوانین داخلی چنان سازگاری نداشته و برای بعضی افراد ناخوشایند باشد، اما بروز بحران‌های پولی و مالی در جهان صنعتی و رعایت مقررات سازمانهای جهانی مانند بانک‌تسویه حسابها بینی‌المللی، ساخت استانداردهای جدید را به صورت یک اجبار در آورده است".<sup>(۱)</sup> در همین زمینه روزنامه آزاد در مقاله‌ای تحت عنوان "قانون اساسی را بازنگری کنید"، در اعتراض به تغییراتی که نهاینگان مجلس به هنگام بررسی و تصویب برنامه سوم توسعه اقتصادی "در آن ایجاد کرده‌اند، خرداد یعنی یک حکومت دینی" معتقد" که عامل اجرائی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی باشد، چه جهنه‌ی را برای کارگران و زحمتکشان تدارک میبینند. عباس عبدي در نظر خواهی پیش گفته که

### همسوئی با "حقایق اقتصادی بین‌الملل"

محسن نوربخش رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، از مدافعان پیگیر سیاست‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، از طراحان اصلی برنامه‌های اقتصادی پنجم‌ساله اول و دوم دوران ریاست جمهوری رفسنجانی، و برنامه سوم توسعه اقتصادی دوران خاتمه است. او دریک سخنرانی در همایش "حسابدار آنیده و آینده حسابداری" گفت: "بدون پیوستن به سازمان تجارت جهانی، اقتصاد ایران میمیرد. همان طوری که ما باید مسایل اقتصاد ایران را با حقایق اقتصادی بین‌الملل همسو کنیم، اقتصاد بین‌الملل نیز باید ما را بپذیرد". وی پیش نیاز ورود ایران به سازمان تجارت جهانی را پذیرش مقررات سایر اقتصاد ایران عنوان کرد و افزود: "آنچه در صحنه بین‌الملل رخ می‌دهد، قواعد خود را دارد و اقتصاد ایران باید قواعد بازیهای بین‌الملل را بپذیرد". او در همین زمینه به ضرورت "استاندارد سازی" در قانون کار، مقررات تجاری و بازارهای پول و سرمایه‌اشاره کرد و افزود: "هر چند امکان دارد که قوانین و استانداردهای جدید با مقررات و قوانین داخلی چنان سازگاری نداشته و برای بعضی افراد ناخوشایند باشد، اما بروز بحران‌های پولی و مالی در جهان صنعتی و رعایت مقررات سازمانهای جهانی مانند بانک‌تسویه حسابها بینی‌المللی، ساخت استانداردهای جدید را به صورت یک اجبار در آورده است".<sup>(۱)</sup> در همین زمینه روزنامه آزاد در مقاله‌ای تحت عنوان "قانون اساسی را بازنگری کنید"، در اعتراض به تغییراتی که نهاینگان مجلس به هنگام بررسی و تصویب برنامه سوم توسعه اقتصادی "در آن ایجاد کرده‌اند، خرداد یعنی یک حکومت دینی" معتقد" که عامل اجرائی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی باشد، چه جهنه‌ی را برای کارگران و زحمتکشان تدارک میبینند. عباس عبدي در نظر خواهی پیش گفته که

مشخص ایران راهی برای غلبه بر بحران اقتصادی فلی نیست، این مسئله روشن است که ساختار سیاسی حکومت اسلامی و تناقضاتی که این حکومت با آنها روپرورست، بزرگترین عامل عدم موقتی این سیاست خواهد بود. تا جمهوری اسلامی هست، تعدد مراکز قدرت و تصمیم‌گیری، عدم "امنیت" سرمایه و مسایلی از این دست نیز به حیات خود ادامه میدهد. نکته دیگر این است که اجرای پیگرانه "سیاست تعديل" نخستین نتایج اش رشیدیکاری و بالا رفتن قیمت‌ها است. در حالیکه جامعه ماهم اکنون در اثر گسترش حیرت آور بیکاری، فقر و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن درآستانه انفجار قراردارد، حکومت ناکریز است برای ممانعت از عوایق اجتماعی اجرای این چنین سیاستهای اقتصادی، چاره‌ای بیانیشد.

علیغum این، یک نکته بدیهی است. جمهوری اسلامی راه دیگری پیش رو ندارد. بنا بر این ناگزیر است "تعديل اقتصادی" را با شدت تمام در دستور کار بگذارد. حال بینیم تاثیرات این سیاستها بر وضعیت طبقه کارگر چه خواهد بود.

## چشم انداز وضعیت کارگران و زحمتکشان

نتولیرالیسم که ازاواخردهه ۷۰ میلادی قرن گذشته در کشورهای سرمایه‌داری در دستور کار قرار گرفت و در بسیاری از کشورهای پیرامونی با سیاست‌های دیکتاتوری از صندوق بین‌المللی پول به اجرا گذاشته شد، در هر کشوری که عملی شده، تهاجمی به سطح زندگی و دستاوردهای طبقه کارگر بوده و تتجه‌بایا - فصل آن افزایش شکاف میان فقر و ثروت، باز پس گیری بسیاری از دستاوردهای طبقه کارگر، کاهش یا قطع هزینه‌های تامین اجتماعی، بی ثباتی شغلی و در کشورهای پیرامونی افزایش چشم گیر بیکاری بوده است. بولیوی و شیلی دو نمونه از ۲۸ کشور آمریکای لاتین هستند که طرح تغییر ساختاری تعديل اقتصادی در آنها به اجرا در آمد و بزعم اقتصاددانان بورژوا از نمونه‌های موفق آن محسوب می‌شوند. در بولیوی اجرای این طرح طی ۴ سال نزد یکاری رابه حدود ۲ برابر رساند. در شیلی، در دو دهه سیاری بین‌وشه "تعديل اقتصادی" صورت گرفت. ناگفته روشن است که هم در بولیوی و هم در شیلی پیش شرط اجرای این طرح‌ها، اعمال فشار بسیار بر سندیکاهای و تشکل‌های کارگری بوده است. در شیلی "تعديل اقتصادی" چنان شکاف میان فقر و ثروت را افزایش داد که ریکاردو لاکوسک که او خرثانویه به ریاست جمهوری این کشور رسید، شعار انتخاباتی اش "اقتصاد آزاد همراه با تامین اجتماعی" بود. دریک کلام خصوصی سازی و "تعديل اقتصادی" به اسم رمز تهاجم به دستاوردها و سطح معیشت طبقه کارگر تبدیل شده است. تجربه ایران هم در دوران رفسنجانی همین مسئله را به اثبات می‌رساند. باید به این مسئله توجه داشت که اجرای "برنامه سوم توسعه" خاتمه نتایجی بمراتب فاجعه بار تراز دوران رفسنجانی بیار خواهد آورد. زیرا همانگونه که گفته شد گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول و جذب سرمایه خارجی مستلزم اجرای کامل رهنمودهای موسسات مالی امپریالیستی است

## رهنمودهای صندوق بین‌المللی پول، اصول مقدس سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی

دادی را جایگزین کارگرانی کردند که سال‌ها در آن کارخانه کارکرده بودند و اکنون باز خرید یا اخراج می‌شوند. از سوی دیگر واردات سیل آسای کالاهای خارجی به تعطیل بسیاری از کارخانه‌ها انجامید که قدرت رقابت با تولیدات خارجی را نداشتند.

تداوی سیاستهای "تعديل اقتصادی" در برنامه دوم علی‌غم مخالف خوانی‌ها و سنگ اندانی‌های جناح رسالت، طوفاران اقتصاد دولتی دست بالا را داشته باشند و در عمل بخش اعظم شریان‌های اقتصادی در کنترل دولت باقی بماند.

پایان جنگ، اوضاع را دیگرگون ساخت. اقتصاد ورشکسته و از هم پاشیده ای که هزینه‌ها و لطمات ۸ سال جنگ را تحمل کرده بود، به بازسازی احتیاج داشت، و درجهانی که اکنون یک قطبی شده بود، دیگر جایی برای مانور دادن میان چهار قطبی شفاف بود. جمهوری اسلامی برای رونق بخشیدن به اقتصاد راهی جز انکا به سرمایه‌های امپریالیستی نداشت. سرمایه‌های امپریالیستی هم پیش شرط‌های خودشان را داشتند؛ تتها کافی نبود که شعارهای کاذب خود امپریالیستی رفته رفته کمرنک شوند، حکام اسلامی ایران باید همان شرایط را فرامی‌کنند که دهها کشور در حال توسعه در آمریکای لاتین یا سایر نقاط به آن عمل می‌کردند. اصول "قدس" صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی که پیش شرط‌دادن وام و سرمایه گذاری خارجی هستند، برای اقتصاد ایران نیز دیگر شدن. این اصول از قالب برنامه‌های اقتصادی اول و دوم رفسنجانی در مرحله اجرا در آمدند و در حال حاضر تحت عنوان "برنامه سوم توسعه اقتصادی" در دستور کار قرار گرفته‌اند و عبارتند از: حذف کنترل‌های وارداتی، بکارگیری سیاستهای ضد تورم شامل ازیمان بدن کسر بودجه از طریق قطع سوبسیدی‌ها، افزایش بهای کالاهای و خدمات دولتی، و در کل کاهش هزینه‌های دولت، کاهش رسمی ارزش پول داخلی به منظور تشویق صادرات، و بطرف کردن موافع سرمایه گذاری خارجی. بطرف کردن موافع سرمایه گذاری رئیس جمهور وقت در مورد اجرای ریاست کنترل قیمت‌ها عملًا تعديل اقتصادی را در اجرا متوقف کند". (۵)

چنانکه از مباحثات فعلی حول وضعیت اقتصاد، و "برنامه سوم توسعه اقتصادی" خاتمه مشهود است، اکنون سران حکومت اسلامی تنها راه چاره را در این می‌بینند که سیاستهای اقتصادی دوران رفسنجانی را این بار با نهایت شدت و سرعت از سر بکرید و ادامه دهند و تمام موافع را نیز از پیش یا بردارند. آنان امیدوارند که به این ترتیب با جذب سرمایه‌های خارجی و خصوصی سازی، و سرشنکن کردن بار بحران بر دوش طبقه کارگر و اقشار زحمتکش، به اقتصاد سرو سامانی بخشنده. بد قول حسین مرعشی جانشین دیگریکل حزب کارگزاران سازندگی "هرفردی" و هر گروهی که در ایران حاکم شود، تنها راه عملی که برای پیشبرد امور پیش پای وی قرار می‌گیرد، تعديل اقتصادی است." به واقع نیز روشن است طبقه حاکم هیچ آلت‌راتنایو دیگری جز "تعديل اقتصادی" برای غلبه بر بحران اقتصادی ندارد. صرفنظر از اینکه "تعديل اقتصادی" حتی در صورتی که تمام موافع حقوقی و روینایی اجرای آن بطرف شود، در شرایط

کارگران لوله سازی خوزستان در برابر ساختمان استانداری دراهواز، تجمع و تحسن کارگران بافتگری کاشان، تجمع اعتراضی کارگران بیکارشده کارخانه ریسندگی سمنان دربرابر فرمانداری سمنان، تجمع اعتراضی کارگران شهرداری ایلام در محل شهرداری این شهر، راه پیمایی و اجتماع اعتراضی کارگران سپورتکس ساوجبلاغ، راه پیمایی و تجمع اعتراضی کارگران پیمانکاری پاسارگاد جزیره خارک دربرابر ساختمان بخشداری، تحسن و تجمع اعتراضی کارگران پتروشیمی ارومیه در برابر استانداری واداره کل کار استان آذربایجان غربی، تجمع اعتراضی شماری از کارگران لوله سازی خوزستان در مجلس، تجمعات سراسری کارگران در برابر سازمان تامین اجتماعی و خانه کارگر، تجمع وتظاهرات کارگران کارخانه مبلیران دربرابر وزارت کار، تجمع اعتراضی کارگران الیس ناس در محوطه کارخانه، تجمع اعتراضی کارگران خانه سازی اهواز در محل کارخانه، راه پیمایی وتظاهرات کارگران کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر و سپس اجتماع در برابر کارخانه، تجمع اعتراضی کارگران پالایشگاه آبادان دربرابر ساختمان عملیاتی پالایش، تجمع اعتراضی کارگران شرکت گچه روپار در برابر در کارخانه و سپس مسدود ساختن جاده رشت - قزوین، اقدام اعتراضی کارگران کارخانه خزرخ تکابن در جلوگیری از خروج تولیدات کارخانه و سایر تجمعات کارگری یاد کرد. در اکثر این تجمعات و اعتراضات، کارگران خواستار پرداخت حقوق و مزایای معوقه خود شده اند و در مرحله بعدی خواهان توقف اخراج ها، ضمانت شغلی و یا بازگشت بکار بوده اند. با وجود آنکه مطالبات کارگران اساساً خصلت دفاعی دارند، معهداً این نمونه تجمعات و اعتراضات کارگری نه فقط گویای این مسئله است که کارگران به مبارزه خود علیه کارفرمایان و دولت در چارچوب کارخانه ها و مراکز تولیدی اتفاق نکرده اند و برای بالا بردن میزان اثر بخشی اقدام اعتراضی، مبارزه خویش را به خیابان ها کشانده اند، بلکه در عین حال حاکی از وجود یک روحیه تعزیزی در میان کارگران است که در ضمن اوضاع انتقامی محیط های کارگری را نیز انعکاس میدهد.

کارگران از تشدید و فشار استثمار و زور گوئی سرمایه داران به تنگ آمده اند و برای بهبود اوضاع، راه دیگری جزاعتراض و مبارزه پیشاروی خود نمی بینند. تجربه دو دهه حکومت اسلامی، این حقیقت را باثبات رسانده است که با وجود این رژیم، نه تنها هیچگونه بهبودی به نفع کارگران بوجود نمی آید، بلکه اوضاع روز به روز بدتر و وخیم تر می شود. لذا یگانه راه اصلی رهائی از وضعیت موجود، تعیین تکلیف قطعی با این رژیم وکیله نهاد های ارتجاعی آن است. جمهوری اسلامی وظیفه اش حراست از منانع سرمایه داران و تجار و سایر مرتجلین است. جمهوری اسلامی رژیمی است عیقاً ارتجاعی و ضد کارگر که در طی تمام دوران حاکمیت نکبت باشد، کارگران را متدرج به اعماق فقر و فلاکت و نگون بختی سوق داده است. در همان حال که ثروت های ملی آشکارا غارت می شود، در همان حال که میلاردها توان صرف محافظت و گسترش ارگانهای سرکوب و سایر نهادهای ارتجاعی می شود و میلارها توان دیگر تحت عنوان مخالف سفالین سمنان در محل کارخانه، تجمع اعتراضی

## روحیه تعزیزی و مبارزه کارگری در حال افزایش است

که دیگر نمی توان آن را "آرام" ساخت. کارگزاران رژیم در این مراکز، هر روزه این جو اعتراض و نا آرامی را به اربابان خود گزارش و هشدار می دهند و مکرراً اعتراف می کنند که در "آرام" نگاهداشت محیط و جو کارخانه ها با وجود آنکه تمام سعی خویش را در این زمینه بکار بسته اند، اما دیگر از دست آنها کاری ساخته نیست. روزنامه کار و کارگر ضرورت رسیدگی به وضعیت بحرانی و عاجل بودن آنرا چنین گوشزد میکند. "اگر چه تا کنون تشکیلات کارگری با تمام توان سعی داشته و دارند که وضعیت تو خود را بشکنند و شیوه های واپسی به آن از شرایط آرامی برخوردار باشد، اما بدون هیچ تعارفی، این روند بدون رسیدگی عاجل مسئولین امردر دولت و بخش های مسئول، امکان ادامه نخواهد یافت!"

اعتراضات و مبارزه در حال گسترش کارگران نیز گویای همین واقعیت است. برغم همه ممنوعیت ها و محدودیت ها و کوشش هایی که بمنظور جلوگیری از مبارزه و خاموش نگاهداشت کارگران صورت میگیرد و برغم تمام سعی و توان تشکیلات رژیمی در مراکز کارگری برای آرام نگاهداشت این مراکز، معهداً روزی نیست که کارگران دست به مبارزه و اعتراض نزنند. برای نمونه در همین دو سه ماه اخیر کارگران دهها بار دست به اعتصاب و اعتراض زده اند و با پیمائی تجمعات اعتراضی، راه پیمایی، تظاهرات و استفاده از سایر اشکال مبارزه کارگری، علیه کار فرمایان و سرمایه داران و برای تحقق مطالبات خویش پی خواسته اند. یکی از سلاحهای مهم کارگران، استفاده از سلاح اعتصاب بوده است و کارگران در مبارزه خویش علیه کار فرمایان مکررا از آن استفاده نموده و دست به اعتصاب زده اند. از آنجمله است، اعتصاب کارگران کاغذ هفت تپه خوزستان، اعتصاب کارگران ریسندگی و بافتگی آذر اصفهان، اعتصاب کارگران شرکت بهمن پلاستیک، اعتصاب کارگران نساجی بارش و بازداشت هیئت مدیره آن، اعتصاب کارگران شرکت سپتیا در اهواز، اعتصاب کارگران مجتمع کشت و صنعت لرستان که در اکثر این اعتصابات، سطح نازل دستمزدها، موضوع اعتراض کارگران بوده است و اعتصابیون، صرف نظر از طرح برخی بافتگی آذر اصفهان، اعتصاب کارگران رفاهی و خدماتی بهمن پلاستیک، اعتصاب کارگران نساجی بارش و بازداشت هیئت مدیره آن، اعتصاب کارگران شرکت سپتیا در اهواز، اعتصاب یکی از رایج ترین اشکال مبارزه کار-

گرچه اعتصاب یکی از رایج ترین اشکال مبارزه کارگری بوده است، معهداً باید اضافه کرد که کارگران بسیاری از اعتصابات خویش را با اشکال دیگری از مبارزه ترکیب نموده اند بین معنا که آنان برای تحقق مطالبات در زمینه بهبود امکانات رفاهی و خدماتی خواهان افزایش دستمزدهای خود شده اند.

گرچه اعتصاب یکی از رایج ترین اشکال مبارزه کارگری بوده است، معهداً باید اضافه کرد که کارگران بسیاری از اعتصابات خویش را با اشکال دیگری از مبارزه ترکیب نموده اند بین معنا که آنان برای تحقق مطالبات خود، صرفاً به دست کشیدن از کار اکتفا ننموده و در برابر کارخانه، دفاتر مرکزی شرکت ها و مراکز دولتی نیز تجمعات اعتراضی وسیعی برپا کرده اند و یا حتی دست به راه پیمایی و تظاهرات و ایجاد راه بندان زده اند.

در اینجا نیز برای نمونه می توان از تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنعتی لاما الکترونیک مشهد در محل شرکت، تجمع اعتراضی کارگران شرکت آجر سفالین سمنان در محل کارخانه، تجمع اعتراضی

کارگران را که از طریق کار شباهه روزی و مزایای جنبی آن محسوبه کنیم می بینیم تا خط فقر که از سوی بانک مرکزی اعلام شده هنوز فاصله ژرفی دارد" این در حالیست که درصد ها کارخانه و واحد تولیدی سراسر ایران، سرمایه داران و کارفرمایان ماهه است که حقوق و مزایای دهها هزار کارگر را بلوکه کرده و همین مستمزدهای ناچیز را نیز به کارگران نداده اند. بنا به اعتراف معاون وزیر کار، در بیش از ۵۰۰ کار خانه بین ۲ تا ۱۵ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است. دهها هزار کارگر نگران آینده شغلی خود هستند و یا در حالت بلاتکلیفی و سرگردانی بسر می برند. روند توقف و تعطیل موسسات و مراکز تولیدی، اخراجهای وسیع، بازخرید های اجباری و سواستفاده وسیع از قراردادهای وقت کار همچنان ادامه دارد. اینبهو بی شمار کارگران اخراجی، در حالیکه صفت میلیونی بیکاران را مدوا مراکم تر ساخته اند، هیچ منبع درآمدی جهت ارتزاق و گزنان زندگی خود ندارند. سرمایه داران و دولت آنها، به بهانه های مختلفی از حقوق و مزایای کارگری می زنند. ارائه خدمات درمانی را کاهش داده و مقرری ناچیز بینمه بیکاری را نیز به بخش عظیمی از کارگران بیکار شده نمی پردازند و خلاصه آنکه کارگران از همه سو شدیداً تحت فشار قرار گرفته اند.

سرمایه داران و دولت آنها شرایط بغايت و خامت باري را بر کارگران تحمیل کرده و از اوضاع بحرانی و شرایط رکود تورمی موجود به نفع مقاصد آزمدنه خویش به حداقل، بهره برداری میکنند. آنان در همان حال که کارگران را وحشیانه استثمار میکنند و سود های هنگفتی به جیب میزند، حتی از پرداخت مستمزد کارگران نیز طفره می روند. تشديد فشارهای طاقت زده اند. از آنجمله است، اعتصاب کارگران کاغذ هفت تپه خوزستان، اعتصاب کارگران ریسندگی و بافتگی آذر اصفهان، اعتصاب کارگران شرکت بهمن پلاستیک، اعتصاب کارگران نساجی بارش و بازداشت هیئت مدیره آن، اعتصاب کارگران شرکت سپتیا در اهواز، اعتصاب یکی از رایج ترین اشکار و مشهود است که حتی در روزنامه های رژیم نیز گاه به آن اشاره می شود. برای نمونه کار و کارگر چهاردهم دیماه در مورد عوایق عقب افتادن حقوق و مزایایی کارگران چنین نوشته است "عدم پرداخت حقوق کارگران و به تعویق افتادن آن سبب افزایش طلاق، افسردگی و حتی در مواردی به خود کشی انجامیده است "چند هفته قبل از آن نیز یکی از مسئولین شوراهای اسلامی استان فارس از وجود مشکلات عدیده حاکم بر خانواده های کارگران بیکار شده و ۱۵ فقره خود سوزنی گزارش شده در میان این خانواده ها خبر داده بود.

واقعیت آن است که تشديد فشارهای اقتصادی و مجموعه فشارهای سیاسی و اجتماعی، دیگر غیرقابل تحمل شده و کارد به استخوان کارگران رسیده است. جو اعتراض و نارضایتی در محیط های کارگری به میزان بسیار زیادی افزایش یافته است. این جو اعتراض و نارضایتی تراکم یافته، بسان آتشی زیر خاکستر است که هر لحظه می تواند شلuded ور شود. اوضاع در مراکز کارگری به مرحله ای رسیده است

## اعتراضات کارگری، سازمان تأمین اجتماعی را به عقب نشینی و امیدوارد

کارگران با قرادادهای موقت عمدتاً ۲ ماهه، به یک روال عادی تبدیل شده است. با وجود بیکاری گستردگی که هر روز بزبرداش افزوده میشود، کارگران پس از پایان قرارداد ۳ ماهه به حال خود رها میشوند و تا زمانی که بتوانند کار دیگری بیایند بدون درآمد به حال خود رها میشوند. بخشنامه قطع پرداخت حق بیکاری به کارگران موقتی که قراردادشان تمام میشود، قبل از اجرا به تائید "دفتر حقوقی نهاد ریاست جمهوری" نیز رسیده است.

مسئله دیگر نزول روزافزون خدمات درمانی و بهداشتی تامین اجتماعی به بیمه شدگان است. کارگران و خانواده های کارگری تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی که در مجموع به رقمی معادل ۲۶ میلیون نفر میرساند، روز بروز باید هزینه بیشتری برای بیمه درمانی پردازند و خدمات کمتری دریافت کنند. شاه بیت اقدامات تامین اجتماعی نیز، واکداری بیمارستان های این سازمان به بخش خصوصی است که با اجرای آن بیمه و درمان نیز برای کارگران خصوصی و به امری غیر قابل دسترس تبدیل خواهد شد.

مورد دیگر موضوع بازنیستگی است. گذشته از سن بازنیستگی و خواست بازنیستگی پیش از موعد، مسئله مستمری بازنیستگی بیمه شد-گان است که روزبروز دراثرافزایش قیمت ها، در عمل کاهش می یابد. فراتر از این، در اوایل سال جدید، سازمان تامین اجتماعی با صدور بخشنامه ای، مبنای محاسبه حق بازنیستگی را تغییرداد، به این شکل که در زمان تعیین مقری بازنیستگی، بجز آنکه آخرین دستمزد را نظر گرفته شود، دستمزد مربوط به تاریخ ۵ سال قبل از تقاضا، مبنای قرار میگیرد و درنتیجه مقری بازنیستگی در سطح بسیار نازلی تعیین میشود. این مسئله ای است که در اوائل سال ۷۸ به اجرا گذاشته شد و شکل های فرمایشی اسلامی کارخانه ها هم اعتراضی به آن نکردند. سازمان تامین اجتماعی علاوه بر اقداماتی که به اعتراض کارگران منجر شده، طرح های دیگری را نیز علیه کارگران درست بررسی دارد. از جمله این سازمان، مدافعان افزايش سن بازنیستگی است، و خواست افزايش حق بیمه ها را نیز طرح کرده است. اقداماتی که سازمان تامین اجتماعی تاکنون در راستای کاهش سطح خدمات درمانی و اجتماعی ارائه شده به کارگران انجام داده و آنچه به صورت پیشنهاد به هیئت وزیران و مجلس ارائه می دهد، در واقع امری جدا از سیاست های جاری حکومت اسلامی در زمانه مسائل اقتصادی و سرشکن کردن باز بحران بر دوش کارگران نیست. اینها همه اجزای مجموعه ای بنام "تعديل اقتصادی" هستند که از ۱۰ سال پیش به اجرا گذاشته شده و با گذشت هر روز نتایج ضد کارگری آن بیشتر برای کارگران آشکار شده است. مسئله باب شدن قرار داده ای موقت به جای قرار داده ای دائم که در زمان رفسنجانی آغاز شد، جزوی از این سیاست ها است. خصوصی کردن بیمه درمانی، افزایش سن بازنیستگی و کاستن هرچه بیشتر از هزینه های اجتماعی و بعبارت بهتر هرچه ارزان تر کردن نیروی کار، یکی از اصول سیاست "تعديل اقتصادی" است که سازمان تامین اجتماعی بعنوان عامل اجرائی این طرح رو درروی کارگران قرار می گیرد. حکومت و بیکار می گردد. طی سال های اخیر بکارگیری

- سه نفر کارفرمای واحدهای تولید صنعتی به انتخاب وزرای صنایع و معادن و بازرگانی - سه نفر نهاده بیمه شدگان واحدهای تولیدی صنعتی به انتخاب وزیر کار و امور اجتماعی، وزیر بهداری و وزیر بازرگانی.

بنابراین این عالی ترین ارگان سازمان تامین اجتماعی متشکل از ۴ وزیر و یا معاونان آنها و ۶ تن دیگر به انتخاب وزرای کابینه است. درآمد و منابع مالی سازمان تامین اجتماعی از حق بیمه کارگران و کارکنان و درآمدی حاصل از سرمایه گذاری حاصل می شود. حق بیمه را ۳ درصد دولت و مابقی را کارفرمای کارگر مبیدارند. سازمان تامین اجتماعی آئین نامه های اجرایی را در شورای عالی تصویب می نماید. در موارد با اهمیت، این مصوبات به تائید هیئت وزیران نیز میرسد. بنابراین گرچه سازمان تامین اجتماعی علی الظاهر سازمانی مستقل است، در اساس سازمانی است دولتی که توسط اعضای کابینه و افراد منتخب آنها اداره می شود و سیاستهای دولت را به اجرا درمی آورد. اما کارگران که با پرداخت حق مدام و مدام حق بیمه، در ارتباط با خدمات اجتماعی از قبیل درمان، بهداشت، بازنیستگی، بیکاری، دریافت وام وغیره با این سازمان مواجه اند، علی الظاهرها سازمانی مستقل روبرو نیستند و سرانجام برای آنکه اعتراضات کارگری را به "خدوسانه"، اعتراض و نا آرامی در میان کارگران را دامن میزنند.

سازمان تامین اجتماعی از محل دریافت مدام بخشی از دستمزد کارگران تحت عنوان حق بیمه، به سرمایه های بسیار کلانی دست یافته است. این سازمان تنها ۷۰ کارخانه تولیدی مختلف، ۵۰ بیمارستان، ۲۰ مرکز اسناد پژوهشی، شرکت تولید مسکن، واحدهای اداری و تجاری، هتل و ... را در تملک دارد. حجم نقدینگی این سازمان بخصوص درسالهای پایان جنگ و آغاز ریاست جمهوری رفسنجانی چنان عظیم بود که برای مدت چند سال، یکی از متابع تامین کسر بودجه دولت محسوب میشد. به گفته ستاری فر رئیس این سازمان، سازمان تامین اجتماعی در ازای وام هائی که به دولت پرداخت کرده است، و درازای ۳ درصد حق بیمه کارگران که می باشد توسعه دولت پرداخت شود و سالهای است پرداخت نشده، مبلغ بیش از ۵۰ میلیارد تومان از دولت طلب کار است. دولت بزرگترین بدھکار به سازمان تامین اجتماعی است. در وهله بعد کارفرمایان هستند که به بانه های مختلف از پرداخت آن بخش از حق بیمه کارکنان که سهم کارفرماس است، طفره می روند. به این ترتیب منابع اقتصادی و مالی عظیم سازمان تامین اجتماعی تنها و تنها از دستمزد ناچیز کارگران تامین شده در حالیکه این سازمان با گذشت هر روز بیش از روز پیش، از ارائه ابتدایی ترین خدمات به کارگران طفره میروند.

### اعتراض کارگران

مهمنترین مسئله ای که کارگران را به صورت سراسری و گسترده به اعتراض و رودرورئی با سازمان تامین اجتماعی کشاند، مسئله قطع دادی و موقت به کارگرفته می شوند و سپس بیکار می گردد. طی سال های اخیر بکارگیری

محمد ستاری فر رئیس سازمان تامین اجتماعی، در اجتماع مسئولان قزوین اعلام کرد که سازمان تامین اجتماعی مشکلی در تقدیم دفتر- چه های بیمه درمانی کارگران ندارد و نه تنها فروش بیمارستانهای تامین اجتماعی در دستور کارش نیست، بلکه در صورت تامین نیروی انسانی لازم، حاضر به گشتش خدمات این بیمارستانها در سطح کشور است. روزنامه آزاد در تاریخ ۲۵ دیماه ۱۳۷۸ به نقل از او همچنین نوشتند است: "کارگران قراردادی و کسانی که به صورت ارادی بیکار می شوند، مشمول دریافت بیمه بیکاری می شوند".

این سخنان، صرفنظر از اینکه سازمان تامین اجتماعی تاچه حد در عمل به آنها پاییند باشد، حاکی از عقب نشینی آشکار حکومت در مقابل اعتراضات کارگران است. از اوائل سال ۱۳۷۸ که سازمان تامین اجتماعی با صدور بخشنامه ای به کلیه شعباین سازمان، پرداخت حق بیمه به کارگران قرارداد موقت را قطع کرد، موج اعتراضات کارگری شهرها و مناطق مختلف درمی آورد. اما کارگران که با پرداخت مرتبت و مدام حق بیمه، در ارتباط با خدمات اجتماعی از قبیل درمان، بهداشت، بازنیستگی، بیکاری، دریافت وام وغیره با این سازمان مواجه اند، علی الظاهرها سازمانی مستقل روبرو نیستند به گفته مسئولان خانه کارگر با سیاست های "خدوسانه"، اعتراض و نا آرامی در میان کارگران را دامن میزنند. فراخوان تظاهرات در مقابل دفاتر سازمان تامین اجتماعی را دادند. وزارت کشور جمهوری اسلامی که حاضر نیست تظاهرات کارگری را حتا اگر به فراخوان خانه کارگر برگزار شود، تحمل کند، از صدور اجازه تظاهرات خودداری کرد. با این حال در تهران و تعدادی از شهرستانها، اجتماعات و تظاهراتی در مقابل دفاتر تامین اجتماعی و یا در شعبات خانه کارگر برگزار شد. سخنان رئیس سازمان تامین اجتماعی پاسخی است به اعتراضات ممتد و گسترده کارگران به لغوبیمه بیکاری، کاهش خدمات درمانی و بهداشتی بیمه شدگان این سازمان، واکداری بیمارستان های تامین اجتماعی در ازای این سیاست خصوصی، پائین بودن حقوق بازنیستگه کان و بیمه شدگان و دهها طالبه دیگر کارگری که کارگران را مستقیما در مقابل سازمان تامین اجتماعی قرار میدهند.

### جاگاه سازمان تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی که بنا بر مصوبه اساس قانون تشکیل سازمان تامین اجتماعی مصوب ۱۳۴۵، تشكیل شده است، "دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری است". بنا بر اسناده این سازمان، ارگانهای عالی آن عبارتند از افال - شورای عالی تامین اجتماعی ب- هیئت مدیره ج- مدیر عامل د- هیئت نظارت. شورای عالی تامین اجتماعی بالاترین ارگان تضمیم گیری این سازمان از این افراد تشکیل شده است: - وزیر بهداری و بهزیستی که ریاست شورا را بر عهده خواهد داشت - وزیر کار و امور اجتماعی یا معاون او - وزیر مشاور در سازمان برنامه و بودجه و معاون او - وزیر اقتصاد و دارائی و یا معاون او

## شودش‌های تهییدستان شهری

چند سال گذشته نشان داده است، این شورشها برغم سرکوبیهای مداوم از حرکت باز نمی‌ایستند و پیوسته تکرار می‌شوند. هرچه بحران‌های حکومت اسلامی عمیق‌تر و وسیع‌تری بخود خواهد گرفت. تهییدستان شهری که علیه نظام موجود و طبقه‌حاکم مبارزه می‌کند، متحدهن طبقه‌کارگر در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. اما این حقیقت را نباید از یاد برد که اگر این جنبش تحت هدایت و رهبری طبقه‌کارگر قرار نگیرد و به یک جنبش سازمان یافته و آگاهانه علیه نظام موجود تبدیل نگردد، نه تنها به اهداف خود دست نخواهد یافت، بلکه همواره این خطا و جود خواهد داشت که به دام ارجاع‌افت. چرا که این توده تهییدستان ناهمگون است. در میان این توده، عناصر خطرناک لومپن پرولاتاریا وجود دارند که هر لحظه میتوانند تبدیل به ایزار ارجاع علیه طبقه کارگر گردند. علاوه بر این جنبش تهییدستان شهرها دقیقاً بعلت فقر و فلکت عظیم این توده و نداشتن آگاهی در معرض خطر قرار دارد. تجارت تمام جنبش‌ها نشان داده است که طبقه حاکم همواره کوشیده است از فقر مفرط و ناآگاهی این توده فقیر در خدمت مقاصد خود استفاده کند و در بسیاری از موارد نیز موفق بوده است. این واقعیت را در تاریخ چند سال اخیر ایران یک بار در جریان کودتای ۲۸ مرداد و بار دیگر در سطحی گسترده‌تر در جریان انقلاب و به قدرت رسیدن خیانی دیدیم. بخشی از همین تهییدستان شهری که تصور میکردند رژیم جمهوری اسلامی آنها را از فقر و بدیختی نجات خواهد دادو بعضاً نیز به نان و فنای هم رسیدند، به چماق سرکوب رژیم جمهوری اسلامی علیه کارگران و زحمتکشان تبدیل شدند. بنابراین بدیختی است که این توده تهییدستان شورشی تحت رهبری طبقه انتظامی قرار نگیرد، همواره با چنین خطراتی روبروست. معهذا این خطرات بالقوه، نافی این مسئله نیست که توده تهییدستان علیه نظم موجود است. شورش‌های پی در پی تهییدستان در چند سال گذشته این واقعیت را آشکارا نشان داده است. با تشدید بحران اقتصادی و سیاسی موجود، جنبش تهییدستان شهری و سعت بیشتری بخود خواهد گرفت.

### روحیه تعرضی و مبارزه کارگری در حال افزایش است

توسط مدیران، نورچشمی‌ها و عناصر نزدیک ووابسته به رژیم چپ‌پاول می‌شوند، مستمرزد واقعی کارگران روز به روز آب می‌رود و به دهها هزار کارگر، ماههای است که حتی همین مستمرزد های آب رفته ناچیز رانیز نمی‌پردازند و در عین حال میلیونها کارگر بیکار و اعضا، خانواده‌های کارگری از این حداقل نیز محروم‌اند. کارگران که حق و حقوق خود را می‌خواهند به وضعیت موجود اعتراض دارند و بیگر نمی‌خواهند آن را تحمل بکنند. روحیه تعرضی، اشکال مبارزاتی و مبارزات چند ماهه اخیر کارگران که در کلیت خود بیانگر همین موضوع است، در عین حال مبارزات گسترده‌تری را نوید میدهد. در عقب نشاندن سرمایه داران و دولت آنها، وجود روحیه تعرضی در میان کارگران، گرچه فاکتور بسیار مهم و مثبتی است، اما روشن است که به تنهایی کافی نیست. با اتحاد، تشكیل و تشید مبارزه است که این روحیه تعرضی، در عمل به تعریض علیه سرمایه داران بارور می‌شود.

گروهی از مردم وجوددارندکه بیکار و فقیرند و یارآمد آنها تا به آن حد نازل است که کفاف رزیم کارگر آنها نمیدهد. این توده تهییدستان، زندگی خودرا با فقر گرسنگی میگراند. در برخی از کشورهای پیش‌فتنه ترس‌نمایه داری به علت این که امکان اشتغال بیشتری وجود دارد و نیز بر قراری یک سیستم تامین اجتماعی، این پدیده، امروزه به شکل تغییر شده آن وجود دارد، اما در کشورهایی نظریه ایران که اقتصاد سرمایه داری امکان جذب محدود نیروی کاررا دارد و یک سیستم تامین اجتماعی جدی وجود ندارد، تهییدستان نیز رسید و سیعی را تشکیل می‌دهند. در این میان باید به نقش سیاستهای ارتقای این امکانات مدت، دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور دهها مورد اعتماد، تحصیل، اجتماعی، راه پیمایی و اجتماعی در معابر عمومی در مقابل مراکز دولتی متولی شده است. در همین مدت، دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور دهها مورد اعتماد، تحصیل، اجتماعی، راه پیمایی و این امکانات را در زمینه‌های مختلف از این امکانات تهییدستان می‌باشد. در چندین سال اخیر، مکرر در شهرهای مختلف ایران شاهد شورش‌های تهییدستان ایم. میتوان به نمونه‌هایی از این شورشها در مشهد، شیراز، اراک، قزوین، تبریز کرمانشاه، سنجنگ و چندین شهرک اطراف تهران نظری، مسعودیه، پل ساو، اکبر آباد اشاره کرد. در اکثر موارد، این شورش‌ها منحصر توسط تهییدستان شهرباز برقا شده‌اند. اخیراً نیز تهییدستان چاردانگه در اطراف تهران دست به شورش زدند. آنها مراکز دولتی را مورد حمله شده‌اند، جاده‌های اطراف را بستند و اعتراض خود را به محرومیت از ابتدایی ترین امکانات مادی، زیستی و رفاهی ایران داشتند. در همین ایام در هفتگل نیز شورش دیگری برقا گردید که مردم به مراکز دولتی حمله بردند و این اعتراضات چند روزه‌ای داشت. این شورشها همگی انعکاسی از خواسته شرایط غیر قابل تحمل تهییدستان شهربازی داشتند. بهانه و توجیه ظاهري این شورش‌ها متفاوت است. در یکجا گرانی بهای اتوبوس منجر به شورش می‌شود. در دیگری درگیری با ماموران شهربازی به شورش می‌انجامد. در سومی مغضّل آب و برق تبدیل به شورش می‌گردد. در چهارمی مرگ پسر بچه‌ای در یک تصادف و یارمگ دستفروشی با شورش توان می‌گردد والی آخر. اما این ظاهر قضیه است. همه این جنبش‌ها، اعتراض تهییدستان متشترک‌اند. این شورشها، اعتراض اند کاری پیدا کنند. آنها نیز به صفوّف تهییدستان شهری پیوسته‌اند. در دوران جمهوری اسلامی، و خامت اوپرای اقتصادی و تورم افسار گسیخته، شرایط مادی و معیشتی توده مردم را روز به روز و خیم ترکرده است. زیرپوش این تورم بخشی از توده مردم به فقر و تهییدستانی سوق داده شده‌اند. کم نیستند مردمی که با گذارند و فروشی، زندگی فلاتکتار خود را می‌گذرانند و کم نیستند کسانی که از فرط فقر دست به خود کشی می‌زنند و روزنامه‌های رژیم هر روز با تیتر درشت از افزایش آمار خودکشی‌ها یاد می‌کنند.

بنابراین روشن است که این نظام سرمایه داری و رژیم پاسداران یعنی جمهوری اسلامی مسبّب فقر و تهییدستانی این جمعیت عظیم اند و روشن است که چرا این توده عظیم تهییدستان علیه این نظام غیر انسانی دست به شورش می‌زند. خصلت شورشی مبارزه تهییدستان شهری از شرایط اجتماعی‌شان ناشی می‌گردد. تهییدستان بخاطر فقر و بدیختی که بآن روبرو هستند، علیه نظم موجود اعتراض می‌کنند. آنها علیه این نظام به نبرد بر می‌خیزند، اما مبارزه آنها بر مبنای برنامه و اهداف مشخصی نیست و فاقد سازمان دهنده و رهبری آگاهانه می‌باشدند. از این‌رو مبارزه آنها به شکل شورش‌های مقاطعی و لحظه‌ای در می‌آید. به همین علت نیز هست که این شورشها سرکوب می‌شوند. معهذا همانگونه که تجربه رشد و اعتلای مبارزه توده ای یکی از وجود مشخصه بحران همه جانبه و ژرفی است که رژیم جمهوری اسلامی با آن روبرو است. این مبارزات در اشکالی بس متعدد در جریان است. طبقه کارگر در دو، سه سال اخیر در صدها مورد به اعتضاد روی آورده و علاوه بر این در موارد متعدد و به اشکال دیگر مبارزه نظری تحصیل، راه پیمایی و اجتماعی در معابر عمومی در مقابل مراکز دولتی متولی شده است. در همین مدت، دانشجویان و دانش‌آموزان سراسر کشور دهها مورد اعتماد، تحصیل، اجتماعی، راه پیمایی و این امکانات را در جریان است و آن شورش‌های تهییدستان می‌باشد. در چندین سال اخیر، مکرر در شهرهای مختلف ایران شاهد شورش‌های تهییدستان ایم. میتوان به نمونه‌هایی از این شورشها در مشهد، شیراز، اراک، قزوین، تبریز کرمانشاه، سنجنگ و چندین شهرک اطراف تهران نظری، مسعودیه، پل ساو، اکبر آباد اشاره کرد. در اکثر موارد، این شورش‌ها منحصر توسط تهییدستان چاردانگه در اطراف تهران دست به شورش زدند. آنها مراکز دولتی حمله بردند و این اعتراضات چند روزه‌ای داشت. این شورشها همگی انعکاسی از خواسته شرایط غیر قابل تحمل تهییدستان شهرباز برقا شده‌اند. اخیراً نیز شورش زدند. آنها مردمی دهند. آنها مراکز دولتی را مورد حمله شده‌اند، اما اغلب آنها نتوانسته اند کاری پیدا کنند و بخشا به کارهای حاشیه ای و کاذب یا گذائی و ولگردی روی اورده‌اند. این جمعیت عظیم که در حاشیه شهرهای بزرگ متمرکز شده‌اند، با فقر و بدیختی زاید الوصفی زندگی می‌کنند. در طول دوران حکومت اسلامی بویژه در چند سال اخیر، صدها هزار کارگر بیکار شده‌اند، بیرون این که بتوانند در کارخانه و موسسه دیگری کاری پیدا کنند و سایر امکانات زیستی خود را که با سال گذشت و سایر امکانات زیستی خود را که با سال ها کار و زحمت دیدست آورده بودند، بفروشنند و هنگامی که دیگر آه در بساط ندارند، حتاً گذایی روی آورند. این بخش از کارگران زندگی تهییدستان به تهییدستان شهربازی شده‌اند. در هر رسانی ها متفاوت است. در یکجا گرانی بهای اتوبوس تهییدستان چاردانگه در این شورش می‌شود. در دیگری درگیری با های فقیر تهییدستان علیه فقر و بدیختی و یارمگ دستفروشی با شورش توان می‌گردد والی آخر. اما این ظاهر قضیه است. همه این جنبش‌ها، اعتراض تهییدستان متشترک‌اند. این شورشها، اعتراض اند کاری پیدا کنند. آنها نیز به صفوّف تهییدستان شهری پیوسته‌اند. در دوران جمهوری اسلامی، و خامت اوپرای اقتصادی و تورم افسار گسیخته، شرایط مادی و معیشتی توده مردم را روز به روز و خیم ترکرده است. زیرپوش این تورم بخشی از تهییدستان شهربازی شده‌اند. در هر رسانی شهرهای بزرگ و مناطق جنوبی شهرها زندگی می‌کنند. مردمانی فقیر و گرسنگ و بیکارند که از حداقل امکانات زیستی و رفاهی، بهداشتی و درمانی نیز محروم می‌باشند. این توده دست، زندگی خود را با فقر، گرسنگی و بدیختی می‌گذراند. آنها در دهه مشترکی دارند. از همین روز است که هر لحظه آماده طغیان‌اند. بدون این که اغلب رایطه‌ای میان آنها وجود داشته باشد، گاه هم‌اند یک نیروی سازمانی‌افته عمل می‌کنند. مترصدند تا یک اعتراض ولو کوچک را به یک اعتراض وسیع تبدیل کنند. همین که جرقه زده شد، یکپارچه پیا می‌خیزند و علیه این نظام موجود دست به شورش می‌زنند. آنها به هرچه که نشانی از سرمایه و دستگاه دولتی داشته باشند یورش می‌برند و درهم می‌کویند، چرا که در عمل می‌بینند، مسبّب فقر و بدیختی آنها نظام مستقر و حاکم است.

تهییدستان شهربازی محسول نظام سرمایه داری حاکم بر ایرانند. نظامی که رفاه و ثروت را در یک قطب و فقر و بدیختی را در قطب دیگر متمرکز گرده است. در نظام سرمایه‌داری همواره

مختلف کشور، چندین ماه است که حقوق و مزایای کارگران پرداخت نشده است. بنا به اعتراف معاون وزیر کار، در حال حاضر دریبیش از ۵۰۰ کارخانه بین ۳ تا ۱۵ ماه است که حقوق کارگران پرداخت نشده است.

## صدها کارگر اخراجی پالایشگاه خواهان بازگشت به کارند

بدنال اقدامات ضد کارگری دولت و وزارت نفت آن، صد ها کارگر پالایشگاه نفت آبادان اخراج شده اند که این موضوع، اعتراض شدید کارگران نسبت داشته است. در ادامه اعتراضات مکرر کارگران نسبت به این مسئله و فشار و پی گیری آنها برای بازگشت به کار، چندی پیش نمایندگان آبادان در مجلس، از وزیر نفت خواستند تا تکلیف این کارگران را روشن و نسبت به بازگشت به کار آنان اتفاق مناسبی بعمل آید. اما آقای زنگنه وزیر نفت در پاسخ بهاین موضوع و درخصوص ۹۰۰ کارگر اخراجی پالایشگاه آبادان مدعی شد که این کارگران فاقد مهارت هستند و استخدام آنان امکان پذیر نمی باشد. این درحالیست که کارگران به مدت چندین سال درپالایشگاه مشغول به کار بوده اند و اکثر آنان در رشته های مختلف فنی استاد کار و صاحب تخصص می باشند. شایان ذکر است که به دنبال پی گیری کارگران جهت بازگشت به کار، هیئت های حل اختلاف اداره کار آبادان نیز رای به بازگشت بکار کارگران اخراجی داده است و برهمین مبنای، دادگستری این شهرستان نیز مستولان اجرائی پالایشگاه آبادان را برای پاسخگوئی احضار کرده است. معهذا مسئولین اجرائی پالایشگاه با عنوان کردن این موضوع که اخراج کارگران تصمیم وزارت نفت بوده است، از پاسخگوئی طفره میروند. وزارت نفت و مسئولین اجرائی پالایشگاه با دست بسیکردن کارگران، آنان را در حالت بلاتکلیفی و سرگردانی نگاهداشته و از بازگشت به کار کارگران ممانعت بعمل می آورند. اما کارگران اخراجی و معترض پالایشگاه خواهان پایان فوری این بازی و بازگشت به سر کارهای خود هستند.

## باخرید اجباری

بنا به مندرجات روزنامه کار و کارگر مرور ۲۸ دی، مسئولین پالایشگاه آبادان، صدها تن از کارگران فنی و با سابقه پالایشگاه را به "کارهای پست و دوراز شان" گماردهاند تا بلکه از این طریق بتوانند کارگران را به امضای حکم بازخرید و اداره سازند.

## اخراج کارگران شرکت آجر ماشینی سفید دشت

بنیاد مستضعفان همچنان به تعطیل کارخانه ها و اخراج کارگران ادامه میدهد، در ادامه تعطیل و اخراج کارگران در تعدادی از کارخانه های وابسته به بنیاد مستضعفان، شرکت آجر ماشینی سفید دشت بروجن نیز تعطیل شد. ۶۰ تن از کارگران این کارخانه که ۸ ماه است حقوق خود را دریافت نکرده اند، اخراج شدند.

## اخراج کارگران سیلوی بندر خمینی

کارفرمای سیلوی بندر خمینی ۴۷ تن از کارگران را که چندین سال سابقه کاردرسیلو را داشته اند، اخراج

در صفحه ۱۰

# خبری از ایوان

## تظاهرات کارگران لوله سازی خوزستان

کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان روز ۲۵ دیماه، در مقابل استانداری اهواز دست به تظاهرات زدند. اکنون حدود ۲ سال است که دستمزد و مزایای کارگران مدواما به تعویق می افتد. کارگران این کارخانه که وابسته به بانک صنعت و معدن و وزارت نیروست، دراعتراض خود عنوان نمودند که از دو سال پیش مکرر هر ۴ یا ۵ ماه پرداخت حقوق و مزایا به تعویق افتاده است. سپس برای آرام کردن کارگران مبلغی ناچیز عنوان علی الحساب پرداخت کرده اند و اکنون هم ۴ ماه است حقوق ها مطلاقاً پرداخت نشده اند.

## اقدام اعتراضی کارگران خزرخز

کارگران کارخانه خزرخز تنکابن در یک اقدام دسته جمعی اعتراضی، جلو ارسال یک محموله صادراتی این کارخانه را گرفتند. لازم به یاد آوری است که طبق قراردادی که میان مسئولین کارخانه با تجار ایتالیائی منعقد شده بود، قرار بود بخشی از تولیدات این کارخانه به ایتالیا صادر شود. معهذا محموله ای که اوخر آذرماه با هدف صدور آن به ایتالیا بارگیری شده بود، هنگام خروج با مخالفت کارگران روبرو شد. هنگام خروج این تولیدات شدند. کارگران با این اقدام خود، نسبت به تعویق مطالبات خویش اعتراض نموده و خواستار پرداخت حقوقهای عقب افتاده شدند.

## کارگران در یک اقدام اعتراضی جاده را بستند

کارگران شرکت گنجه که در ده کیلومتری روبار قرار دارد، بعنوان اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و مزایای خود در مقابل درب کارخانه تجمع نمودند و سپس جاده رشت - قزوین را مسدود نمودند. حقوق کارگران از آبانماه پرداخت نشده است. این اعتراض کارگران با وعده شورای تامین شهرستان رود باربرای پرداخت حقوق معموق به پایان رسید.

## جمع کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی

۱۵ تن از کارگران شرکت فرآورده های ساختمانی وابسته به بانک صنعت و معدن روز ۲۲ دی ماه در مقابل شعبه مرکزی این بانک در تهران تجمع نمودند و نسبت به تأخیر در پرداخت دستمزد اعتراض کردند. سه ماه است که این کارگران حقوق خود را دریافت نکرده اند.

## اعتراض کارگران پیام آفرین

بیش از هشت ماه است که حقوق و مزایای کارگران شرکت پیام آفرین ( واحد تولید رنگ صنعتی و

دریائی) در سیستان و بلوچستان پرداخت نشده است. به استناد مندرجات روزنامه کار و کارگر، با وجود آنکه مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال از محل " صندوق حمایت کارگران کشور " صرفا با هدف پرداخت حقوق های معوقه به کارفرمای این شرکت پرداخت شده است، معهذا بعد از سپری شدن ۴۵ روز کارفرمای شرکت هنوز هم به بهانه های مختلف از پرداخت حقوق و مزایای معوقه کارگران طفره می رود. کارگران شرکت، در اعتراض به این مسئله با ارسال نامه ای برای مسئولان استان، تهدید کرده اند چنانچه حقوق های معوقه آنها پرداخت نشود، علی رغم میلشان، اموال شرکت را که هم اکنون نیز توقیف شده است، حراج خواهند کرد تا از بالاتکلیفی نجات پیدا کنند.

## اعتراض کارگران زنجان

کارگران استان زنجان با ارسال یک نامه اعتراضی خطاب به اعضاء کمیسیون کارمجلس، نسبت به عمل- خطا و اعضا های کارگران از دریافت مقررات میکاری بیمارستانها و صدور بخشنامه های متعدد با هدف کاهش حجم خدمات به بیمه شدگان، اعتراض کردند. در این نامه که از جمله به واگذاری بیمارستان تأمین اجتماعی منعقد شده بود، قرار بود بخشی از تولیدات این کارخانه به ایتالیا صادر شود. معهذا محموله ای که اوخر آذرماه با هدف صدور آن به ایتالیا بارگیری شده بود، هنگام خروج با مخالفت کارگران روبرو شد. هنگام خروج این تولیدات شدند. کارگران با این اقدام خود، نسبت به تعویق مطالبات خویش اعتراض نموده و خواستار پرداخت حقوقهای عقب افتاده شدند.

## اعتصاب غذا در فولاد

هزاران کارگرشاغل درگروههای تولید شرکت فولاد، دراعتراض به تشديد فشارهای تحملی از سوی کار - فرما و عقب افتادن حقوق و مزایای خویش، دست به اعتصاب غذا زدند.

## نامه اعتراضی کارگران مترو

کارگران و کارکنان مترو در یک نامه اعتراضی که کارو کارگر ۱۹ دی آن را به چاپ رساند، نسبت به عدم پرداخت حقوق خویش اعتراض کردند. در این نامه از جمله چنین آمده است " ما کارکنان متروی تهران هنوز حقوق ماه گذشته خود را دریافت نکرده ایم، ترا به خدا بگوئید جواب صاحب خانه را چگونه بدھمیم و یا از خجالت بچه هایمان چگونه بیرون یائیم؟ "

## عدم پرداخت حقوق کارگران در پانصد کارخانه

در صدها کارخانه و واحد تولیدی در استان های

ماندند و جان خود را ازدست دادند. این کارگران بنام های زلما نوری ۳۵ ساله ، بال نوری ۲۸ ساله و احمد شاه صدیقی ۳۲ ساله همگی از زحمتکشان افعانی بودند.

## ترک تحصیل دختران در ایران

تندگویان مشاور وزیر آموزش و پرورش اعلام داشت یک میلیون و ۶۰۰ هزار دانش آموز دختر ترک تحصیل کرده اند . وی پیرامون علت این امر گفت ازدواج زود رس، رفت و آمد دشوار و خطرهای موجود در مسیر مدرسه، تعداد کم مدارس در مناطق عقب مانده عامل عده ترک تحصیل دختران در ایران هستند.

## سو تغذیه کودکان در سیستان و بلوچستان بیداد میکند

رئیس دانشگاه علوم پزشکی زاهدان اعلام داشت سیستان و بلوچستان از نظر تعداد کودکان مبتلا به سو تغذیه در سینین زیر ۵ سال مقام اول را دارد. وی گفت طبق مطالعات انجام شده تعداد کودکان مبتلا به سو تغذیه از ۴۸ تا ۶۸ درصد در شهرهای مختلف این استان در نوسان است.

## وام بانک جهانی به ایران

بانک جهانی با دادن وامی به مبلغ ۲۲۱ میلیون دلار به جمهوری اسلامی موافقت نمود. سخنگوی بانک جهانی اعلام داشت : این وام به منظور بازسازی سیستم فاضلاب تهران و راه اندازی یک پروژه بهداشتی در پایتخت، به ایران داده می شود.

\* \* \*

## افزایش خودکشی در ایران

اخیرا آمار تکاندهای از خودکشی در جراید منتشر شده است. این در حالی است که ایران بالاترین رقم خودکشی را درجهان دارد. بر اساس آمار منتشر شده، طی سال ۷۷ در ایران ۲۵۸ نفر در اثر خودکشی فوت کرده اند. این رقم در مقایسه با سال ۷۶، حاکی از ۱۰۹ درصد افزایش است. البته آمار فوق که از سوی مرکز تحقیقات سازمان بهزیستی کشور اعلام شده، دربرگیرنده تعدادی است که در اثر خودکشی، فوت کرده اند و لذا تعداد کل افرادی که به خودکشی دست زده اند، نیست. با این وجود آمار خودکشی که عمدهاً توسط جوانان و زنان صورت میگیرد، حاکی از افزایش فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که روز بروز عرصه را برمدید تاگه اند. یکی از عوامل دست زدن به خودکشی فشارهای اقتصادی است. از بدو زمامداری جمهوری اسلامی تاکنون مداوماً بر دامنه فقر و تباہی افزوده شده است. تشدید استثمار، افزایش بیکاری، موج فزاینده اخراجها عدم پرداخت مستمرد کارگران شاغل، فشارهای طاقت فرسایی را بر اکثریت عظیمی از جامعه وارد می آورد. کارگران شاغل حتاً با دو سه شیفت کار در یک روز، از تامین حادث معاش محروم اند.

صفحه ۱۳

## تحسن اعتراضی دانشجویان کشاورزی

روز یکشنبه پنجم دیماه، گروه زیادی از دانشجویان آموزشکده کشاورزی کرج، یک تجمع اعتراضی در محوطه وزارت کشاورزی برپا کردند. دانشجویان در این اجتماع اعتراضی، ضمن ابراز نگرانی نسبت به بیکاری فارغ التحصیلان این رشته، خواستار تضمین شغلی خود شدند. آنگاه وزیر کشاورزی در جمع اعتراض کنندگان حاضر شد و وعده داد که بمنظور اشتغال فارغ التحصیلان این رشته، به آنان زمین کرد که دانشجویان پس از اتمام تحصیل برای تأمین آینده خود و خانواده، باید دنبال کارگردان در بخش غیر دولتی بروند و بین وسیله مسئولیت بیکاری فارغ التحصیلان این رشته را از گردن خود انداخت. بیکاری و عدم تضمین شغلی آینده، یک پدیده عمومی است. امروزه صدها هزار تن از جوانان، دیپلمه ها و فارغ التحصیلان در سراسر ایران بیکارند و هیچکس خود را در برابر آن مسئول نمیداند.

## تحسن دختران دانشجو

بیش از ۵۰۰ تن از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم، در اعتراض به سیستم مدیریت دانشگاه و مشکلات آموزشی، در حالی که مطالبات خویش را بر پلاکاردهای نوشته بودند، در محل وزارت پهداشت دست به تحسن زندن. از جمله مسائل مورد اعتراض دانشجویان یکی هم بالا بودن میزان شهریه است. شایان توجه است که شهریه این دانشگاه برای سه ترم ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار ریال میباشد.

## جمع ۱۵۰ تن از کارکنان شرکت برق تهران

حدود ۱۵۰ تن از کارکنان شرکت برق تهران برای دو مینی بارطی دو ماه گذشته در مقابل وزارت مسکن و شهر سازی اجتماع نمودند و به سیاست های این وزارت خانه اعتراض نمودند.

## چند خبر کوتاه

\* استاندار تهران گفت آموزش و پرورش این استان به ۱۳ هزارو ۵۵ کلاس درس نیاز دارد . او اضافه کرد که متوسط تعداد دانش آموزان در هر کلاس کشور ۴۴ نفر است که در تهران این رقم ۵۵ نفر میباشد.

\* معاون اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی اعلام کرد متوسط هزینه ناخالص هر خانوار در مناطق شهری ایران در سال گذشته ماهیانه یک میلیون و هفتصد و نوزده هزار ریال و مجموع درآمد ناخالص ماهانه آن، یک میلیون و چهار صد هفتقاد و پنج هزار ریال بوده است. بعبارت دیگر هر خانوار شهری ماهانه ۲۴۴۰۰ ریال کسری داشته است!

\* وزیر بازرگانی گفت ۱۶۰۰ طرح نساجی در حالیکه ۴ درصد آنها بخشا احداث شده، نیمه کاره بحال خود رها شده است.

\* سه کارگر که مشغول حفر کانالی در خیابان ولی عصر بودند، براثر ریزش دیوار مجاور در زیر آوار

## اخبار از ایوان

نمود. از آنجائی که این اقدام خودسرانه کارفرماحتی برخلاف ضوابط و مقررات وزارت کار رژیم بود، لذا حکم بازگشت به کار آنها صادر شد، اما مسئولین سیلو همچنان از پذیرش کارگران سرباز می زند.

## چیت ری تعطیل شد

بنابه گزارش روزنامه رسالت مورخ چهارم دیماه، اخیرا واحد شماره ۴ بافنده چیت ری بعلت نداشتن مواد اولیه و نخ تعطیل شد و کارگران این واحد نیز به صفت متراکم کارگران بیکار و پیوسته و افزون بر آن، تولید در واحد شماره ۲ نیز از ۷ تن به ۱/۵ تن در روز تقلیل یافته است.

## بافندگی دزفول در آستانه تعطیلی

کارخانه تولید نخ شهرستان دزفول در آستانه ورشکستگی و تعطیلی و کارگران آن در معرض بیکاری اند. روزنامه های رژیم کمبود مواد اولیه را دلیل تعطیلی کارخانه و بیکاری کارگران اعلام کرده اند.

## تعطیل هرمز نخ

شرکت رسندگی هرمز نخ واقع در کیلومتر ۱۵ جاده سیرجان - بندر عباس تعطیل شد و ۱۲۰ کارگر این شرکت که اکثر آنها زن هستند، از کار بیکار شدند. کار و کارگر چنین فوشت که تعطیلی شرکت به دلیل رعایت نشدن ضوابط محیط زیست و به دستور مقامات قضائی صورت گرفته است . کارگران این واحد، خواهان ادامه کاری شرکت و تضمین شغلی خود هستند.

## در کرمانشاه

### پنجاه واحد تولیدی تعطیل شد

در پی رکود و تعطیلی واحد تولیدی در استان کرمانشاه مدیر کل صنایع این استان، کمیته را موظف ساخت تا رکود واحد های تولیدی صنعتی را به اصطلاح با دید کارشناسی برسی نموده و راه کارهای جدیدی را ارائه دهد. وی گفت هم اکنون بیش از ۵۰ واحد صنعتی تعطیل شده و ۵۵ طرح صنعتی دیگر در انتظار دریافت تسهیلات بانکی می باشد. قابل ذکر اینکه استاندار کرمانشاه، عدم مدیریت، نبود نقینگی کافی و اشیاع بازار را علت رکود واحد های تولیدی استان دانست.

## خروج جمعی کارگران و معلمان در کردستان

نماینده سندج در مجلس جمهوری اسلامی، سخنایی به اخراج های این استان دسته جمعی کارگران و کارکنان آموزش و پرورش در کردستان اعتراف نمود. وی در زمینه اخراج کارگران از جمله چنین عنوان کرد که برخی مدیریت ها به بیانه های واهم، اخیرا اقدام به اخراج دسته جمعی کارگران نموده اند که دریکی از این واحدها ۳۱۰ کارگر اخراج شده اند. نامبرده همچنین اضافه کرد که شمار زیادی از کارکنان آموزش و پرورش که لائق ده سال سابقه کار دارند به بیانه مسائل گزینشی اخراج شده اند.

کار خود از طریق قراردادهای دسته جمعی در ماه ژانویه اوج تازه ای گرفت . اوخر سال گذشته بود که نخست وزیر این کشور پرده از روی طرحهای دولت مبنی بر حذف کامل قراردادهای دسته جمعی بین کارگران و سرمایه داران برداشت و اعلام نمود که کارگران باید "آزاد" باشند که خود شرایط کارخود را تعیین کنند . این تصمیم دولت موجی از اعتضابات پدید آورد . کارگران با افسای نیات دولت گفتند که اجازه نخواهند داد که روابط کارگر و کار فرما به ۱۰۰ سال گذشته بازگردد . اما سرمایه داران که خواهان "کارازان" هستند به تلاش های خود ادامه داده وبالاخره نوبت به هزاران کارگر شاغل در مجتمع صنعتی BHP رسید . صاحبان این مجتمع طرح ویژه ای را تحت عنوان "فونیکس" به مرحله اجرا گذاشتند . که بطبق آن کارگران فلکز کار و معدن این مجتمع صنعتی با زور، فریب و وعده افزایش درآمد اعضویت اتحادیه های کارگری استغفار داده و شرایط کار خود را با قراردادهای فردی تعیین کنند . این اقدامات آشکار ضد کارگری خشم کارگران را برافروخت و موجی از اعتضابات آغاز شد . در همان ابتدا و به منظور جلوگیری و سرکوب اعتضابات کارگران ، دادگاه عالی استرالیا بر پائی هرگونه اعتضاب دسته جمعی و هماهنگ را به مدت ۲ ماه در ۶ کارخانه مجتمع صنعتی BHP ممنوع اعلام کرد . کارگران که با تمام ترفند های طبقه سرمایه دار آشنا هستند به فوریت به تاکتیک "اعتضابات زنجیره ای" روی آوردند . براساس این تاکتیک کارگران این ۶ کارخانه یکی پس از دیگری دست از کارگری و به این ترتیب ضمن "رعایت قوانین" مبارزه خود با سرمایه داران را نیز پیش میبرند . در همین راستا روز ۱۶ ژانویه معدنچیان منطقه Newman دست به یک اعتضاب ۴ روزه زدند . روز ۱۷ ژانویه نیز صدھا کارگر فلز کار در منطقه شرق استرالیا و در همبستگی با اعتضاب معدنچیان Newman دست به یک اعتضاب ۲۴ ساعته زدند . روز ۱۹ ژانویه کارگران فلز کار در منطقه Porthedland دستگیر شده و ماموران پلیس با ضرب و شتم کارگران و دستگیری دهها نفر، اعتضابیون را از مقابل در ورودی کارخانه که مسدود کرده بودند، دور کردند . روز ۲۱ ژانویه هزاران نفر از معدنچیان معادن ذغال سنگ در سراسر استرالیا، به دخالت ماموران پلیس در اختلافات میان کارگران و سرمایه داران اعتراض نموده و در همبستگی با کارگران اعتضابی مجتمع BHP دست به یک اعتضاب یک روزه زدند . روز ۲۲ ژانویه مجدداً ۵ هزار نفر کارگر فلز کار در مجتمع BHP دست از کار کشیدند . در همین حال اتحادیه بین المللی کارگران فلز کار IMF طی فراخوانی از تمام کارگران جهان خواست که کارگران استرالیا را در مبارزه با اجحافات سرمایه داران تنها نگذاشته و با تمام قوا به تقویت صفوی اعتضابیون یاری رسانند . این اتحادیه از کارگران بنادر در سراسر جهان خواست که از بارگیری و تخلیه کشته های تجاری استرالیا خودداری نموده و به طبقه سرمایه داراین کشور نشان دهند که کارگران در مبارزه خود تنهای نیستند .

## اعتضاب کارگران راه آهن در مجارستان



در این ایالت و سرکوب و پیگرد پلیسی رهبران کارگران، اعتضابیون اعلام نمودند که اعتراض خود را تا پیروزی نهائی و عقب نشینی دولت ادامه خواهند داد .

بیش از ۵۶ هزار کارگر راه آهن دولتی مجارستان و دولت این کشور بر سر تعیین مستمردها در سال جدید آغاز گشت . کارگران در این دور، خواهان افزایش مستمردها متناسب با نرخ تورم و تعیین مجدد شرایط کار از طریق عقد قراردادهای دسته جمعی، که پس از فروپاشی کشورهای بلوک شرق اروپا به بهانه مبارزه با رژیمهای کمونیست "این کشورها و در واقع پاییمال نمودن حقوق کارگران کتاب گذاشته شده بود، اعلام نمودند . راه آهن دولتی مجارستان، که وظیفه اصلی خود را تحقق شروط اقتصادی بازار واحد اروپا می دارد و در همین راستا از اوائل دهه ۹۰ میلادی بیش از ۴۵ هزار کارگر راه آهن را اخراج نموده است . به فوریت با این خواسته کارگران مخالفت نموده و اعلام کرد که حقوق کارگران تنها به میزان ۸/۵ در صد افزایش خواهد یافت . این شرکت اعلام نمود که واگذاری تمام و کمال راه آهن دولتی مجارستان به سرمایه داران خصوصی تنها راه حل مشکلات اقتصادی این موسسه میباشد . مخالفت با خواسته های برق کارگران و پا فشاری بر سیاست هایی که جز بیکاری و فقر ارمغان دیگری برای هزاران کارگر نداشته است، کارگران را در مبارزه علیه این اجحاف آشکار حصم تر نمود . در همین راستا روز ۲۰ دسامبر تمامی ۵۶ هزار کارگر راه آهن دولتی شرکت تلفن معنی دیگری جز اخراج هزاران کارگر خواهد داشت . این اعتضاب که از شهر لیبرویل، پایتخت این کشور گسترش مدت کوتاهی به اقصا نقاط این کشور آفریقائی یافته و اکنون دهها شهر در این کشور آفریقائی بدون ارتباط تلفنی منتظر روشن شدن نتیجه مبارزات کارگران هستند .

## اعتضاب کارگران در گابن

این روز ها ارتباط کشور آفریقائی گابن، این مستعمره سابق امپریالیسم فرانسه، با دیگر کشورهای جهان قطع شده است . دلیل این امر اعتضاب هزاران کارگر شرکت دولتی تلفن در این کشور است . روز ۳۰ دسامبر و با رای اکثریت قاطع نمایندگان کارگران، کنگره سالانه کارگران مخابرات و تلفن تصمیم گرفت که از روز ۴ ژانویه تمام اعضاء این اتحادیه برای مدت نامحدود دست از کار کشیده و ارتباطات در این کشور را تا اطلاع ثانوی متوقف کنند . دلیل این اعتضاب تصمیم دولت این کشور مبنی بر فروش شرکت دولتی پست و تلفن گابن به سرمایه داران بخش خصوصی، که اغلب صاحبان سرمایه های خارجی و شرکت های عظیم چند ملیتی میباشند، اعلام شد . کارگران خواستار واگذاری عملیات این شرکت به تعاونی های کارگری شدند . آنها گفتند که خصوصی سازی شرکت تلفن معنی دیگری جز اخراج هزاران کارگر خواهد داشت . این اعتضاب که از شهر لیبرویل، پایتخت این کشور گسترش مدت کوتاهی به اقصا نقاط این کشور آفریقائی یافته و اکنون دهها شهر در این کشور آفریقائی بدون ارتباط تلفنی منتظر روشن شدن نتیجه آشکار حصم تر نمود . در همین راستا روز ۲۰ دسامبر تمامی ۵۶ هزار کارگر راه آهن دولتی شرکت تلفن معنی دیگری جز اخراج هزاران کارگر راه آهن کشیدند . با این اعتضاب ۱۱ بندر بزرگ این کشور از جمله بمیئی و کلکته بکلی تعطیل شده و دهها کشتی عظیم باری در دهانه ورودی این بنادر در انتظار تخلیه بار خود صف کشیدند . این حرکت یکپارچه اولین اعتضاب سراسری کارگران در طول ۱۰ سال گذشته میباشد .

## اعتضاب صد هزار کارگر در هند

روز ۱۸ ژانویه حدود ۱۰۰ هزار کارگر بارانداز در سراسر هند با خواست افزایش مستمردهای ناچیز خود برای مدتی نامحدود دست از کار کشیدند . با این اعتضاب ۱۱ بندر بزرگ این از پذیرش خواست کارگران نبود . لذا روز ۱۰ ژانویه مجدداً تمامی ۵۶ هزار کارگر راه آهن به یک اعتضاب ۶۰ ساعته دست زدند . در نتیجه این اعتضاب کلیه قطارهای شهری و بین المللی متوقف شد .

\* - در همین روز و در همبستگی با کارگران راه آهن، تمامی رانندگان اتوبوسها و قطارهای شهری در مجارستان نیز دست از اعتضاب به طرح دولت مبنی بر خصوصی سازی، تمامی این ۶ نیروگاه، کارهای خود را به مدتی نا معلوم تعطیل کردند . با آغاز اعتضاب یکپارچه کارگران، شهرهای این ایالت بزرگ - با جمعیت بالغ بر ۱۴۰ میلیون نفر - در خراموشی کامل فرو رفته و مقامات دولت تصمیم گرفتند که هرچه سریعتر به این اعتضاض کارگران پایان دهند . در همین راستا روز ۱۶ ژانویه با هجوم ماموران پلیس به یکی از دفاتر اتحادیه کارگران، ۴ تن از رهبران این اعتضاب، به اتهام دعوت کارگران به برد پائی اعتضابی "غیرقانونی"، دستگیر و روایه زندان شدند . علیرغم ممنوعیت اعتضاب

## موج اعتضابات کارگری در استرالیا

سرمایه داران برسانند. اما یک رستوران مک دونالد که به راستی تبدیل به یکی از نماد های بر جسته سرمایه انصصاری شده است توسط تظاهرکنندگان در هم شکسته شد. یکی از رهبران چپ فرانسه به نام ژوزه بوو که مورد ضرب و شتم پلیس قرار گرفت، گفت: "ازین پس، هر بار که شرکت های فرامیتی تشکیل جلسه می دهند در مقابل خود مردمی را خواهند یافت که به آنها می کویند ما قوانین شمارا قبول نداریم، ما تبدیل کردن جهان را به یک کالا نمی پذیریم" گفتنی است که رژیم جمهوری اسلامی نیز کمال خرازی را به جمع سرمایه داران داووس فوستاده بود.

### رهنمودهای صندوق بین المللی

که از جمله شامل خصوصی سازی بهداشت و درمان، برداشتن حداقل دستمزد، آزاد گذاشتن ساعات کار، بازگذاشتن دست سرمایه داران در اخراج کارگران و ... است. ازسوی دیگر آنچه که آزادی کامل واردات و صادرات، و آزاد گذاشتن نرخ ارز سبب کاهش باز هم بیشتر قدرت رقابت محصولات داخلی می شود، و با توجه به هرج و مرچ و تعدد مراکز تصمیم گیری در جمهوری اسلامی، و با در نظر گرفتن کهنه گی و فرسودگی ماشین آلات در بسیاری از کارخانجات ایران، کارخانه هایی که به بخش خصوصی واگذار می شوند، یا توسط سرمایه دار بسته می شوند یا کارگرانشان اخراج می شوند و با تعداد کمتری کارگر قراردادی که مجدداً استخدام می شوند، بکار می افتد. در هر حالت، نتیجه، بیکاری تعادی از کارگران هر کارخانه یا همه آنها خواهد بود. برای نمونه صنایع نساجی را در نظر بگیریم، طبق آمار در ۱۳۰ کارخانه نساجی در سراسر ایران حدود ۴۰۰ هزار کارگر بطور مستقیم اشتغال بکار دارند. ۶۵ درصد این کارخانه ها دولتی هستند. کاملاً روشن است که در صورت واگذاری این کارخانه ها، بخش اعظم کارگران آنها اخراج خواهد شد. یا کارخانه بسته می شود، و یا با ماشین آلات جدید و تعداد بسیار کمتری دوباره بکار می افتد. از سوی دیگر آزاد گذاشتن بهای محصولات کشاورزی و حذف سوبیسیدها، به خانه خرابی بیشتر رostenایان می انجامد، دهقانان خانه خراب نیز به میلیونها بیکار افزوده می شوند.

هر یک مورد از عوایقی که برنامه "تعديل اقتصادی" در قالب بودجه سال ۷۹ و یا برنامه "توسعه اقتصادی سوم" برای کارگران در برداشت، کافی است تا طبقه کارگر به مبارزه ای آشکارا علیه طبله حاکم برخیزد. جمهوری اسلامی می خواهد نیروی کارکارگر ایرانی را چنان ارزان کند که انصصارات جهانی و سرمایه داران داخلی، تمام مشکلات دیگر را به جان بخشدند و اقتصاد بحران زده را رونق بخشدند.

### زیرنویسها:

- ۱- روزنامه آزاد ۱۷- آذر ۱۳۷۸
- ۲- روزنامه آزاد ۲۰- آذر ۱۳۷۸
- ۳- روزنامه همشهری ۲۲- آذر ۱۳۷۸
- ۴- روزنامه همشهری ۲۲- آذر ۱۳۷۸
- ۵- روزنامه آزاد ۲۸- آذر ۱۳۷۸

ساعت کار و افزایش دستمزد ها هستند. اعتراضات دیگری در بیمارستانها و پست نیز در همین روز برای تقلیل ساعت کار و افزایش حقوق در جریان بود.

### اجراي ۳۵ کار هفتگي در فرانسه

از اول فوريه سال جاري، قانون ۲۵ ساعت کاردر هفتگي با حفظ دستمزد، در موسسات و مراکزی که بيش از ۲۰ کارگر و شاغل در استخدام دارند، به مورد اجرا درآمد. با کاهش ۱۰ درصد از ساعت کار هفتگي، کارگاهها و مراکز فوق موظفند به ايجاد اشتغال بپردازنند. بر اساس برآورد وزارت کار فرانسه، کاهش ساعت کار موجب ايجاد ۷۰۰ هزار شغل خواهد شد. مراکز و کارگاههاي کوچک تر از سال ۲۰۰۲ مشمول قانون جديد خواهند شد. روند کاهش ساعت کار هفتگي در فراسنه طی يك قرن گذشته به دنبال مبارزات پيگير کارگران بشرح زير است: در مارس ۱۹۰۰، ده ساعت کاردر روز و ۷ روز در هفته برسimit شناخته شد. د رژوئیه ۱۹۰۶، يك روز تعطيل در هفته قانوني شد. در آوريل ۱۹۱۹، ۸ ساعت کارروزانه تحقق یافت. در ژوئن ۱۹۳۶ ساعت کار در هفته رسميت یافت. دو سال پس از آن، خواست ۴۰ ساعت کار در هفته و دو روز تعطيل پيابا عملی شد. از سال ۱۹۳۸ تا ۲۰۰۰ بازگرگان، دانشجويان، جوانان و بيكاران در پاسخ به فراخوان اتحادي های کارگري به خياناتي پايتخت اين کشور Quito و چند شهر دیگر آمده و با بر پائی راه پيمائي و تظاهرات خواستار بهبود فوري شريطي زندگي خود و استفاده فوري دولت اين کشور شدند. در Quito تظاهر کنندگان خشمگين پس از تجمع در مقابله دفتر رياست جمهوری، به يكباره به سوي اين ساختمان حمله برد و تلاش نفاذند که آنرا به اشغال خود درآورند. صدها نفر از مامورین پليس و سربازان ارتش که کاخ رياست جمهوری را در محاصره داشتند با شليک گاز اشک آور و گلوله های پلاستيكي به تظاهرکنندگان يورش بردند. در اثر اين درگيري دهها نفرز حمي و دستگير شدند. متعاقب اين تظاهرات، در تهديد نمود که هرگونه اعتراضي را با قاطعيت در هم خواهد شکست. برغم فقر و فاقه عمومي، شکاره هر برگان توسيط جو خواهد شدند که تا رسیدن به پيروزی نهائي به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

### فرانسه

### اجتماع سرمایه داران در دووس

امسال نيز فوروم داووس برای سی امين سال پي در پي در شهری به همین نام در سوئيس از ۲۷ ژانویه تا ۱ فوريه ۲۰۰۰، برگزار شد. هر سال در اين تجمع مشتري از بزرگترین سرمایه داران و روسای جمهوری دولجهان شرکت می کنند تا سرنوشت مiliاردها کارگر و زحمتکش را رقم بزنند. پس از شکست نشست سازمان تجارت جهانی در شهر سياتل آمريكا کارفرمایان و روسای دول گوناگون شرکت کننده قصد داشتند که نشست امسال داووس را به دنباله اى از سياتل تبدیل کنند. البته امسال برای نخستين بار فعالان سياسي چه نيز برای اعتراض در داووس به يكicker قرار ملاقات داده بودند. بي شک كنترل شدید پلسي، از جمله انسداد جاده هاي منتهي به داووس، يكى از دلائل عدمه اى بود که تعداد معترضين پنجاه بار كمتر از تظاهرکنندگان در سياتل باشد. اما هزار نفری که از ايتاليا، اسپانيا، آلمان، فرانسه و سوئيس خود را به داووس رساندند (با اسکى و از طريق کوهستان) با حملات و حشیانه پلیس مواجه شدند و نتوانستند خود را به سالن تجمع

### اخبار کارگری جهان

#### تظاهرات کارگران و دانشجويان در اکوادور

در حال حاضر فقيرترین کشور آمریکای لاتین، اکوادور، در چنبره يكى از عميق ترين بحرانهای مالي تاریخ حیات خود گرفتار است. بيكاري، گرانی، فقر و فلاكت عمومي ميليون ها نفر کارگر، دانشجو، بيكار و جوان را در اين کشور واداشته که برای ادامه زندگی خود به نبردي همه جانبه با گرسنگي و مرگ برخیزند. برغم آمار دولتی که نرخ تورم را ۶۰٪ اعلام نموده دولت اين کشور وظيفه خود را تنها پيشبرد سياست های موسسات مالي اميراليستي نظير صندوق بین المللی پول اعلام نموده و تمام تلاش خود را بكارگرفته تا از طريق اخذ بازهم بيشتر قروض خارجي چند صباحي ديجر نيز با حمایت اميراليست ها به حیات انگلی خود ادامه داده، و توده های کارگر و زحمتکش را بيش از پيش در اعماق فقر و تباahi غوطه ور سازد. تحمل اين همه بى حقوقی و فشار از سوی دولت اما بى جواب نمانده و کارگران و زحمتکشان اکوادور در هر فرصتی نفرت و اعتراض خود را از سياست های دولت به نمایش گذاشتند. در همین رابطه روز ۶ ژانویه نيز هزاران نفر از کارگران، دانشجويان، جوانان و بيكاران در پاسخ به فراخوان اتحادي های کارگري به خياناتي پايتخت اين کشور Quito و چند شهر دیگر آمده و با بر پائی راه پيمائي و تظاهرات خواستار بهبود فوري شريطي زندگي خود و استفاده فوري دولت اين کشور شدند. در مقابله دفتر رياست جمهوری، به يكباره به سوي اين ساختمان حمله برد و تلاش نفاذند که آنرا به اشغال خود درآورند. صدها نفر از مامورین پليس و سربازان ارتش که کاخ رياست جمهوری را در محاصره داشتند با شليک گاز اشک آور و گلوله های پلاستيكي به تظاهرکنندگان يورش بردند. در اثر اين درگيري دهها نفرز حمي و دستگير شدند. متعاقب اين تظاهرات، در تهديد نمود که هرگونه اعتراضي را با قاطعيت در هم خواهد شکست. برغم فقر و فاقه عمومي، شکاره هر برگان توسيط جو خواهد شدند که تا رسیدن به پيروزی نهائي به مبارزه خود ادامه خواهد داد.

## اعتراضات کارگری ، سازمان ...

عوامل ضد کارگر او که از طریق شوراهای اسلامی، انجمنهای اسلامی و خانه کارگر وظیفه مقابله با جنبش اعتراضی کارگران را بر عینه دارند، سعی میکنند ارتباط میان سیاست ها و بخشانه های سازمان تامین اجتماعی با کل سیاستهای اقتصادی دولت را از چشم کارگران مخفی کنند. مرتعین متشکل در خانه کارگر، شوراهای اسلامی و حزب اسلامی کاردار حالیکه مدافعين سرسخت و پرو پا قرص رفسنجانی، این سردار "تعديل اقتصادی" هستند، عوام - فریبانه برای مصائبی که "تعديل اقتصادی" برای کارگران در برداشت، دل می سوزانند. آنان وقتی با اعتراضات گسترده کارگران به بیکاری، فقر، کرسنگی و دهها مصیبت اجتماعی روپرو می شوند، کارگران را به ظاهرات در مقابل دفتر سازمان تامین اجتماعی فرامی خوانند تا هم نقش دولت را در پیشبرد سیاستهای ضد کارگری جاری مخفی گنند و کل حکومت را از زیر ضرب خارج سازند، هم مبارزات کارگران را تحت کنترل خود در اوردن و در استانه برگزاری انتخابات مجلس، با دفاع کاذب از اعتراضات کارگری، خود را مدافعان کارگران جا بزنند به این امید که از آرای کارگران برای دستیابی به کرسیهای مجلس ارتقا بخواهد. البته حنای اینان نزد کارگران بی رنگ تر از آن است که کارگران را بفریبد. حدت اعتراضات وسط مبارزات کارگری امروز نیاز آن فراتر است که شگردهای کهنه و نخ نما شده خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار موثرافتد. عقب نشینی رئیس سازمان تامین اجتماعی از مواضع قبلی این سازمان در رابطه با بیمه بیکاری و واکذاری بیمارستانهای تامین اجتماعی گواهی در این مسئله است.



جمعیت اعتراضی کارگران پالایشگاه نفت آبادان

و اعتساب کارگران شرکت سپتا در اهواز

میازده کارگران برای افزایش دستمزد و بهبود امکانات رفاهی در حال گسترش است. روز دوشنبه کارگران پالایشگاه آبادان بخطاب افزایش دستمزد و مزایای خود و بهبود امکانات رفاهی از جمله منازل کارگری شرکت نفت، دست به تجمع و تظاهرات در مقابل ساختمان عملیاتی پالایش زند. کارگران تاکنون مکرر مطالبات خود را به مستولین امور اعلام نموده بودند، اما این مطالبات بلاجواب مانده بود. کارگران پالایشگاه با این تجمع اعتراضی به مستولین شرکت نفت هشدار دادند که هرچه سریعتر به مطالبات آنها پاسخ مثبت دهند.

در ضمن حال متجاوز از ۵۰۰ تن از کارگران شرکت سپتا در اهواز نیز از روز یکشنبه دست به اعتساب زده اند. کارگران شرکت سپتا خواهان افزایش دستمزد، افزایش حق مسکن، رسیدگی به وضعیت غذا و سرویس کارخانه ویرجی مطالبات رفاهی دیگر شده اند.

این اعتراضات کارگری نشان میدهد که کارد به استخوان رسیده است. کارگران با دستمزد نازل خود دیگر نمیتوانند حتی حداقل معیشت خود را تأمین کنند. درحالی که قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران همه روزه در حال افزایش است، دستمزد واقعی کارگران نه تنها افزایش نیافرده بلکه به نحوض ایار تنزل نموده است. این وضع دیگر قابل تحمل نیست.

کارگران خواهان افزایش دستمزد و بهبود امکانات رفاهی خود هستند. کارگران میازده خود را برای تحقق مطالباتشان تشديد کرده اند.

سازمان فدائیان (اقلیت) از مطالبات برحق کارگران پالایشگاه نفت آبادان و شرکت سپتا برای افزایش دستمزد و خواستار تحقق فروی مطالبات کارگران میباشد.

**سونکون باد رژیم جمهوری اسلامی - بر قوار باد حکومت شورائی سازمان فدائیان (اقلیت)**

۲۸/۱۰/۲۸

**کار - نان - آزادی - حکومت شورائی**

## افزایش خودکشی در ایران

تفريحی و سرگرم کننده اند. آنها در فقر و حسرت زندگی بهتر غوطه میخورند. از سوی دیگران زنان تحت شدیدترین تضییقات و تبعیضات قراردارند نابرادریهای حقوقی نیمی از جامعه را به موجوداتی درجه دوم تبدیل کرده است. مجموعه این شرایط به گسترش فقر و تباہی، عدم اطمینان به آینده و یاس و نامیدی انجامیده است. گسترش معضلات اجتماعی از جمله اعتماد، فحش، انواع جرائم و خودکشی معلول جامعه ای است که در چنگال سرمایه و مذهب قرار دارد.

در چنین شرایطی از فقر و فلاکت، کارد به استخوان رحمتکشان میرسد و گاه به خودکشی میانجامد. از جمله اخیرا یکی از مستولین شوراهای اسلامی کار استان فارس خیر از ۵ مورد خودسوزی در میان خانواده های کارگری داد. فشارها اجتماعی یکی دیگر از علل افزایش خود کشی است. جوانان و زنان متحمل فشارهای روز افزون هستند. بیش از دوهده کنترل، سرکوب، تحریر و توہین، اینتابی ترین حقوق انسانی را از زنان سلب کرده است. میلیونها جوان فاقد امکانات

با نزدیک تر شدن زمان برگزاری انتخابات فرمایشی مجلس ششم، سران رژیم و همه دست اندکاران حکومتی، برموج تبلغات سنگین خود پیرامون تغییب مردم به شرکت در آن افزوده اند. جناح های حکومتی و مدافعان نظام جمهوری اسلامی که در تدارک بست آوردن سهم بیشتری از قدرت حستند، با عوامگری و مشتی و عده توخالی به میدان آمدند. آنان می خواهند هر طور شد مردم را به پای سندوق های رأی بکشانند و از این مسئله نیز به نفع مقاصد ارتقای و خدمت مردمی خوش بهره برداری نمایند.

دعوت از مردم به شرکت در «انتخابات» در حالیست که بیش از دو دهه است اینتابی ترین حقوق دمکراتیک و انسانی همین مردم و عموم توده های کارگر و زحمتکش توسط رژیم و جناح های آن نقض و با خشونت تمام سرکوب شده است. همه کان این را می دانند که در نظام جمهوری اسلامی نه ارزش و اهمیت برای رأی رژیم ارتقای جمهوری اسلامی نه ارزش و اهمیت برای رأی و نظر مردم قائل است وند مشارکت واقعی آنها را در تعیین سرنوشت خودشان می پنیرد. به راستی در جاییکه احزاب و سازمانهای سیاسی مختلف رژیم سرکوب میشنوندو اکثیر مردم، کارگران، زنان، دانشجویان و جوانان از آزادیهای سیاسی بکلی محروم اند. در جاییکه ششکل های سیاسی و صنفی واقعی مردم وجود ندارد و آنان نمی توانند کنندیهای مردم اعتماد خود را معرفی کنند و به آنان رأی بدینند، در جاییکه حقیقتی از طفداران قانون اساسی جمهوری اسلامی هم از شرکت در این بازی حرف می شوند، دیگر چه بخوبی از انتخابات می تواند در میان باشد؟! مگر جز این است که جمهوری اسلامی طبق معمول تعدادی از افاده کاملا مقطفن و باسته به خود را توسط شرای نگهبان دستچین می کند و بعد، از مردم می خواهد تا به این افراد رأی بدهند؟! آیا این نیاش که رژیم نام آن را انتخابات گذاشته است مضمونه و درخور استهزا نیست؟

رژیم ارتقای و سرکوبک جمهوری اسلامی و جناح های مرتعی و باسته به آن، اجرای یک نایاب مسخر، تکاری و بغاوت ضد دمکراتیک را انتخابات می نامند و از مردم می خواهد تا با شرکت در آن، متنصبین رژیم و استبداد حاکم را تایید کنند! اما مردم ایران می دانند که این خیمه شب بازی هرچه باشد، انتخابات نیست و از همین رو در این انتخابات قلابی و فرمایشی که خواهان آن را انتخابات بگردند. بیست سال تجربه حاکمیت رژیم ارتقای جمهوری اسلامی، این حقیقت را آشکار ساخته است که هیچیک از جناح های حکومتی و یا سایر کسانی که خواهان حفظ این رژیم می خواهند، قابل اعتماد نیستند. عملکرد رژیم ارتقای جمهوری اسلامی و عده های توخالی و عوامگریهای جناح ها و گروه های مرتعی پاسدار نظم حاکم، این حقیقت را نیز مسجل کرده است که نه نظام جمهوری اسلامی ونه مجلس ارتقای این چیزی به توهه های مردم زحمتکش نمی دهد و تتحقق مطالبات آنها حل معضلات جامعه درگو فراتر رفتن از چارچوبهای نظام موجود است. ما همه کارگران و زحمتکشان و عموم توهه های سیستمه آمده را به تحریر کامل انتخابات قلابی مجلس فرامیخواهیم. برای تحقق مطالبات آزادیخواهانه، دمکراتیک و رفاهی و برای هرمانی از جمهوری اسلامی و برچیدن بساط همه نهادهای ارتقای آن را تشید کرد.

مرگ بر رژیم ارتقای جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

اتحاد فدائیان کمونیست - جریکهای فدائی خلق ایران -

حزب کمونیست ایران

سازمان فدائیان (اقلیت) - هسته اقتیاد

اوی بهمن - ۷۸ ۲۰۰۰ - ۲۱ ژانویه

این قتل عام پایان یافت.

هنگامی که رفسنجانی بعنوان رئیس جمهور حکومت اسلامی زمام امور را به دست گرفت، مرحله دیگری از سرکوب آغاز گردید که دیگر به روای سابق شکل علنی نداشت. رفسنجانی برای غلبه بر بحران اقتصادی رژیم نیازمند جلب حمایت دولتهای امپریالیست برای صدور سرمایه بین المللی به ایران بود. لذا ناگزیر بود که مناسبات بین المللی جمهوری اسلامی را بهبود بخشد و سطح مناسبات رژیم را با کشورهای دیگر ارتقاء دهد. اما افکار عمومی جهان به شدت علیه رژیم جمهوری اسلامی بود. رفسنجانی نمیتوانست هم مناسبات خود خود را با دولتهای امپریالیست گسترش دهد و خواهان صدور سرمایه به ایران باشد، اما در همان حال هر روز با دستگیری مخالفین و اعدام های علنی، افکار عمومی مردم جهان را بویژه در کشورهای اروپائی علیه رژیم برانگیزد. البته در این ایام دیگر ضرورتی هم از دیدگاه رژیم برای اعدام های علنی و آشکار وجود نداشت، چرا که سازمان های سیاسی مخالف رژیم سرکوب شده بودند، تعداد کثیری از مخالفین اعدام شده بودند و جنبش های اعتراضی تودهای نیز فروکش کرده بودند. لذا در این مقطع، در تاکتیکهای سرکوب رژیم تغییراتی صورت میگیرد و تاکتیک ترور و قتل های مخفی و بی سرو صدا به تاکتیک عده برای سرکوب مخالفان تبدیل می گردد. در این مرحله بجای این که مخالفین سیاسی دستگیر و به حبس و اعدام محکوم شوند و بالنتیجه منجر به اعتراض و مخالفت در داخل و خارج از ایران گردد، رژیم بی سروصدرا هر کس را که احساس میکند به نحوی با حکومت اسلامی مخالف است و یا حتی اعتراضاتی نسبت به رژیم دارد، به قتل می رساند. بر مبنای این تاکتیک است که در دوران زمامداری رفسنجانی صدھا تن از مخالفان حکومت اسلامی در داخل و خارج ایران ترور شدند و یا به شیوه های اسرارآمیزه قتل رسیدند و بعضی ناپدید شدند. مجری پیشبرد این تاکتیک، وزارت اطلاعات رژیم بود. این قتل های سیاسی در دروان زمامداری خاتمی نیز ادامه یافت که بالاخره با قتل های پی در پی چهار رتند از مخالفین رژیم، دیگر کاملاً دست رژیم و وزارت اطلاعات آن روشن و عموم مردم دریافتند که این ترورهای وحشیانه کار رژیم است. البته باید در نظر داشت که هرچند در این مرحله تاکتیک ترور مخالفین حکومت وقتل های ظاهرا اسرارآمیز به شکل عده سرکوب مخالفین تبدیل گردید، اما اشکال دیگر سرکوب نیز وجود داشت. در همین مرحله نیز دستگیری برحی از مخالفان، محکوم کردن آنها به حبس و حتی اعدام ادامه داشت، اما رژیم تلاش میکرد تا آنچه که ممکن است، این موارد، انکاس نداشته باشند و در واقع هم جز در موارد معذوبی این سرکوبها انکاس وسیعی پیدانکردند.

تمام این حقایق نشان می دهند که سرکوب و کشتار مردم ایران از همان آغاز جز لاینک حکومت اسلامی بوده است. رژیم جمهوری

## جنایات حکومت اسلامی به ۴ یا ۸۰ قتل سیاسی محدود نمی شود

سرکوب و کشتار مردم را در دستور خود قرار داد.

اساساً فلسفه وجودی جمهوری اسلامی و شکل گیری آن در این بود که با سرکوب و کشتار، انقلاب توده مردم ایران را درهم بشکند. مردم ایران به انقلاب روحی آورده بودند و بساط رژیم سلطنتی را جاروب کرده بودند. مترجمین ایران و جهان به تکاپو افتادند تا با تقویت ضد انقلاب اسلامی جنبش عظیم کارگران و زحمت کشان را مهار و سپس شدیداً سرکوب کنند.

در آن مقطع تنها ضد انقلاب اسلامی میتوانست

این نقش را بر عهده بگیرد و با سرکوب انقلاب

از نظام ستمگرانه سرمایه داری پاسداری کند.

در نخستین ماه های پس از قیام که نیروی

سرکوب رژیم پیشین از هم گسیخته بودند و

هنوز بخشی از مردم مسلح بودند و توده ها

ابتکار عمل را در دست داشتند، ضد انقلاب

اسلامی در موقعیتی نبود که با کشتار وسیع

مردم دست به تعرض گسترده علیه انقلاب

بزند. هرچند که اقدامات سرکوبگرانه منفرد

خود را در اینجا و آنجا آغاز کرده بود. ضد

انقلاب اسلامی به زودی نیروی مسلح پیشین

را بازسازی کرد. نیروهای مسلح جدیدی را

نیز در کنار آن سازمان دهی نمود و به نحو

روز افزونی سرکوب، زدن، ترور و اعدام را

در دستور کار قرار داد، هنگامی که این ضد

انقلاب دریافت توازن قوا تا به آن حد تغییر

کرده که میتواند تعرض قطعی همه جانبه خود

را به انقلاب و دستاوردهای انقلابی مردم سازمان

دهد، لحظه‌ای درنگ نکرد و مرحله جدیدی را

در سرکوب و کشتار گشود. در این مرحله که

از اوائل سال ۶۰ آغاز گردید، دهها هزار تن

دستگیر و هزاران تن به جوخد های اعدام

سپرده شدند. رژیم به منظور مروعوب کردن

مردم تا مدتی همه روزه خبر اعدام صدها

نفر را در روزنامه های خود اعلام میکرد. در

این مرحله، وحشیانه ترین شکنجه ها در زندان

های رژیم معمول گردید و جلادانی امثال گیلانی

در تلویزیون رژیم از فروکردن آهن گاخته

در چشم مخالفین حکومت الله و کشتن آنها به

همان شکل که امیر مومنان در یک روز صدها

تن را با شمشیر به قتل رسانده بود، دفاع می

کرددند. در این مرحله که تا سال ۶۷ به طول

انجامید، هزاران انسان پس از تحمل شکنجه

های وحشیانه پاسداران حکومت الله اعدام

شدند و ده ها هزار تن به حبس محکوم گردیدند. برغم این که تا سال ۶۷ تode

مردم و سازمان های سیاسی سرکوب شده

بودند و دیگر مبارزه متسلک موثقی وجود

نداشت، اما رژیم وحشی گری را تا به آنچه

رساند که دست به کشتار بیرحمانه و دسته

جمعی زندانیان سیاسی زد. به دستور خمینی

جاد، هزاران زندانی سیاسی که هریک به چند

سال زندان محکوم شده بودند، و حتی دوره

محکومیت برحی از آنها به پایان رسیده بود

در تابستان ۶۷ قتل عام شدند. این مرحله با

داشتن دولتهای خارجی در این قتلها مسخره تر از آن بود که اصلًا مردم به آن توجه نکند. لذا اعتراض و مبارزه مردم از فرازیش یافت. زیرفشار این اعتراضات و مبارزات، گروهی از طرفداران خاتمی مجبور شدند که پا را از حد ادعاهای رسمی رژیم فراتر نهند. این گروه پذیرفتند که اولاً - تعداد قتل های سیاسی وزارت اطلاعات محدود به این چهار قتل نیست. رضا خاتمی مسئول دفتر سیاسی جبهه مشارکت اسلامی گفت که "حدود ۸۰ قتل در سالهای اخیر انجام شده است." و با اشاره به برخی از قتل ها عنوان نمود که "یک طیف مختلفی از افراد هستند، از سنی و شیعه و مسیحی یا سیاسی و دگراندیش و نویسنده که مرگ آنها مشکوک است. چرا مسئولان پرونده تاکید دارند که روی همین چهار تا قتل توفیر کنند."

ثانیا - برخی افراد این گروه، البته در چارچوب رقابت‌های جناحی خود پای فلاحیان و رفسنجانی را نیز در ماجراهی قتل های سیاسی کشیدند و اعتراف کردند که قتل های سیاسی نمی تواند کار افراد خود سر و زارت اطلاعات باشد. حالا دیگر مسئله قتل های سیاسی در سطح برحی از مطبوعات انگکاس وسیع تری پیدا کرده و با ذکر موارد مشخص، پرده از برخی قتل ها برداشته می شود. برغم اینکه این گروه از طرفداران خاتمی، مسئله قتل های سیاسی سالهای اخیر را تا ۸۰ نفر می داشت و پای برخی از مهره های بالای رژیم را که از جناح رقیب هستند به عنوان تصمیم گیرنده اصلی به میان می کشند، اما در حقیقت این گروه نیز در تلاش است فجایع و جنایات رژیم را به همین "قتل های سیاسی چند سال اخیر" محدود نماید. اینها نیز به نحوی دیگر در پی نجات رژیم از بحران و بن بست اند. کشتار مردم ایران تو سط رژیم جمهوری اسلامی و این جمله ارگان های امنیتی - حاسوسی و پلیسی آن، نه به چهار نفر می شود و نه به ۸۰ تن. دهها هزار تن از مردم ایران در طی این ۲۱ سال حکومت اسلامی به اشکال و شیوه های مختلف به قتل رسیده اند. در اینجا صرفاً پای فلاحیان و رفسنجانی در میان نیست بلکه تمام سران و دست اند کاران حکومت اسلامی از خمینی گرفته تا دیگران در این کشتار و حشیانه مردم نقش داشته اند. بعبارت دیگر، این رژیم جمهوری اسلامی درکلیت آن است که این همه فجایع و جنایات را به بارآورده است، در واقع، مسئله قتل های سیاسی مخفیانه و بی سروصدای چند سال اخیر وزرات اطلاعات که شکل عده سرکوب مخالفان رژیم در یک مرحله از حیات جمهوری اسلامی است، ادامه سیاست های سرکوب گرانه و کشتار بی رحمانه مخالفین سیاسی است که از همان نخستین روز موجودیت حکومت اسلامی آغاز گردید.

رژیم جمهوری اسلامی بنا به ماهیت ضدانقلابی و خصلت ارجاعی مذهبی اش از همان آغاز

## بازگشت ((آلنده)) ای دیگر به شیلی!

خوبی از این موضوع مطلع است. علیرغم عضویت در حزب سوسیالیست شیلی در انترناسیونال احزاب سوسیال دمکرات، لاگوس از به اصطلاح "راه سوم" توانی بلر، نخست وزیر سوسیال دمکرات فعلی انگلستان، برای شیلی استقبال نکرد. چرا که لاگوس می گوید "راه سوم" نمی تواند دارای "همان و زنی" در شیلی باشد که در اروپا غربی. به این جهت که درآمد سرانه در اروپا ۳۰ هزار دلار است درحالیکه در آمریکای لاتین این رقم کمتر از پنج هزار دلار می باشد. واقعیت این است که اوضاع اقتصادی درشیلی به و خامت گراییده است. شیلی که توسط محافل بورژوازی نام "بیرآمریکای لاتین" را گرفته بود با مشکلات عدیده اقتصادی روپرورست. برطبق آمار رسمی نرخ بیکاری از ۸ درصد در سال ۱۹۹۱ به بیش از ۱۰ درصد رسیده است. تولید ناخالص ملی ۲ در صد کمتر شده و پس از بحران مالی کشور های آسیای دور ("بیرهای" دیگر!) صادرات شیلی که عنوان "موتور رشد" این کشور را داشت بشدت افت کردند. بحران بازار مشترک این منطقه از جهان که "مرکوسور" نام دارد و شامل شیلی، آرژانتین، بربزیل، اروگوئه و پارا - گونه است گریبان اقتصاد بیمار این کشور را هم گرفته است. در ماه های اخیر جنبش ها و اعتراضات وسیعی بویژه دربخشی بهداشت و آموزش و پرورش در شیلی بوقوع پیوست و سرخ پوستان "ماپوچه" که در جنوب این کشور زندگی می کنند مطالبات مشخصی را مطرح نموده اند. تمام این واقعیت نشان میدهد که آقای ریکاردو لاگوس، این "سوسیالیست مدرن"، رسالتی را که سالهای است سوسیال دمکرات ها بعنوان چرخ پنجم سرمایه داری و عامل نجات موقتی آن از بحرانهای درمان ناپذیر این نظم عقب مانده و پوسیده دارد، بر عهده گرفته است، حال آنکه بحران های اقتصادی و سیاسی این نظم با دخالت مستقیم پرولتاریا و پایان قطعی سیستم سرمایه داری میسر است و شیلی نیز از این مهم مستثنانیست.

### جنایات حکومت اسلامی به . . .

اسلامی بنا به ماهیت فوق ارتجاعی اش وظیفه و رسالتی جز تشديد اختناق و سرکوب و کشتار مردم نداشته و ندارد. این رژیم بسته به اوضاع، گاه مخالفین را در باغداری گسترده و به شکلی علی اعدام کرده است، زمانی هزاران زندانی سیاسی را یکجا قتل عام کرده است و در شرایطی ترور مخالفان و قتل های بی سرو صدا را به شکل عمد سرکوب تبدیل کرده است. مدام که جمهوری اسلامی دوام داشته باشد، این ماجرا ادامه خواهد یافت. حالا که برای توده مردم کاملاً روشن شده است مجری قتل های سیاسی وزارت اطلاعات رژیم است، جناحهای حکومت اسلامی در تلاش اند این جنایات رژیم را به ۴۰ قتل سیاسی محدود کنند. اما این تلاش بیهوده است. جمهوری اسلامی مسئول کشتار دهها هزار تن از مردم ایران به خاطر مخالفت با رژیم است و اگر جنایات جنگی رژیم را هم برآن بیافزائیم، این کشتار به صدها هزار خواهد رسید.

دمکرات ها برقرار است، نامید. او پس از پیروزی در انتخابات اخیر فراموش نکرد که با کلی گوئی مرسوم در میان جناح های مختلف بورژوازی که چیزی جز مردم فریبی نیست، اعلام کند: "پیروزی ما برق و زیباست، اما این پیروزی شکست هیچکس نیست. من رئیس جمهور همه شیلیانی ها هستم . . . ما با هم کا رخواهیم کرد، حتا با آنانی که تا دیروز دشنمن ما بودند . . ."

هرچند لاگوس برطبق اظهارات خودش "روابط خوبی با نیروهای مسلح و محافل اقتصادی" شیلی دارد، هرچند او درده سال اخیر مذاوماً وزیربوده است و عبارتی دیگر خیال بورژوازی شیلی وجهانی کاملاً راحت است، اما گوئی برای اطمینان دادن بیشتر به همین بورژوازی بود که لاگوس بین دو دور انتخابات اخیرحتا شعار انتخاباتیش را عرض کرد. درحالی که در دور اول او از "رشد دربرابری" سخن میگفت، در دور دوم شعارش را به "شیلی بهتر" تغییرداد! از این مهمتر اینکه لاگوس در دوره ای که وزیر عمران و آبادانی بود در عمل نیز حسن نیت خود را به بورژوازی نشان داد، از آن جمله میتوان از ساختن یک شبکه دوهزار کیلو- متري جاده سخن گفت که به مبلغ هنگفت پنج میلیارد دلار آمریکا از سوی لاگوس به بخش خصوصی سرمایه داری شیلی واگذار شد. تمام این شواهد و اظهارات خود لاگوس نشان دهندهاین هستند که رئیس جمهور جدید شیلی آلنده دیگری نیست. او در نهایت یک رشته تعییرات جزئی مانند قانونی کردن طلاق یا حق سقط جنین آن هم به قول خود او از طریق "درمانی" انجام خواهد داد. یا باز هم به قول خودش "قتل هایی را که در دوران دیکتاتوری به قانون اساسی" زده شده باز خواهد کرد، اما یقیناً آن را تغییر خواهد داد. در ثانی همین تعییرات جزئی در صورتی امکان پذیر خواهد بود که لاگوس و ائتلافش موفق به کسب اکثریت در انتخابات پارلمان که در دسامبر ۲۰۰۱ انجام خواهد شد، بشوند. بی جهت نیست که خواکین لاوین، همکار نزدیک پیشواش و رقیب انتخاباتی لاگوس در درودروم، بعد از اعلام نتایج و پس از تبریک به لاگوس گفت: "من در خدمت دولت جدید خواهم بود تا وحدت شیلیایی ها مستحکم تر شود". دلیل دیگری که موجب عدم نگرانی بورژوازی از ریاست جمهوری لاگوس در شیلی است هماناً وضعیت سیاسی این کشور و کلاً آمریکای لاتین در نیکاراگوئه. لذا آقای لاگوس میتواند برای شش سال آینده که رئیس جمهور شیلی خواهد بود با خیالی آسوده به بورژوازی شیلی خدمت کند. مگراینکه کارگران و زحمتکشان شیلی که در فقر و بدختی زندگی می کنند وارد میدان شوند. لاگوس خود به

روز یکشنبه ۱۶ ژانویه ۲۰۰۰ ( ۲۶ دی ۱۳۷۸ )، ریکاردو لاگوس، نامزد ائتلاف دمکرات مسیحیان و سوسیال دمکرات های شیلی با کمی بیش از ۵۱ درصد آراء در دور دوم انتخابات به ریاست جمهوری این کشور رسید.

به محض اعلام این خبر، رسانه های ارتباط جمعی سرمایه داری از "انتقام تاریخ" ، "نخستین رئیس جمهور سوسیالیست شیلی پس از آلنده" وغیره سخن گفتند. اما مانند اغلب اوقات میان واقعیت و تقاضی بینگاه های عظیم خبر رسانی جهان سرمایه داری که برای شکل دادن به افکار عمومی در جهت منافع این سیستم نلاش می کند فاصله بسیار است.

ریکاردو لاگوس حقوقان و اقتصاد دانی است که در آمریکا تحصیل کرده است. از ابعان ده همکار آلاند سخن گفته میشود. اما او همکاری آنچنانی با آلاند نداشته است. وقتی سال‌الادور آلاند او را سفیر شیلی در اتحاد جماهیر شوروی میکند، اپوزیسیون آن زمان به رهبری پینوشه که در ۱۱ سپتامبر ۱۹۳۷ با دستور و یاری "سیا" دست به کودتا می زند، مخالفت می نماید و لاگوس هرگز به عنوان سفیر به شوروی نمی رود. لاگوس در دوران صدرات مخوف اکوستو پینوشه به اتهام واهی شرکت در سو قصد به جان ژنرال که در آن پنج تن از محافظانش کشته می شوند، زندانی و پس از یک کارزار بین الملل آزاد می گردد.

در دوره اخیر و مشخصا در طی ده سال گذشته و پس از ایجاد دوره ۱۷ ساله حکومت مستقیم پینوشه، لاگوس بدون انقطاع دارای پست های وزارت در انتلافی است که در شیلی قدرت را به دست داشته است. این ائتلاف که نام "مشورت دمکراتیک" را دارد شامل حزب سوسیالیست، حزب برای دمکراسی، حزب رادیکال و دمکرات مسیحی می باشد. این ائتلاف در واقع دمکرات مسیحیان و سوسیال دمکرات های شیلی را کرد آورده است. پاتریسیو- الوین، رئیس جمهوری دمکرات مسیحی شیلی از سال ۱۹۹۰ تا سه سال بعد، لاگوس را به عنوان وزیر آموزش و پرورش برگزید. پس از آن ادواردو فرای، رئیس جمهوری فعلی شیلی، لاگوس را به وزارت عمران و آبادی منصب نمود.

ریکاردو لاگوس خود را "سوسیالیست مدرن" میداند و این چنین بین خود و آلاند که بزعم او یک "سوسیال مارکسیست" بود فاصله می گذارد در عین حال با افتخار مدرنیسم و مارکسیسم راهم در تقابل قرار می دهد! لاگوس همچنین گفته است: "جهان من بادنیای آلاند متفاوت است" حتا وقتی از او به عنوان "دومین رئیس جمهور سوسیالیست شیلی" پس از آلاند نام بردن، او با برآشتنگی خود را سومین رئیس جمهور ائتلاف فعلی که ازده سال پیش بین دمکرات مسیحیان و سوسیال

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،  
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه  
برای دوستان و آشنایان خود در خارج از  
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان  
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R  
Postfach 160531  
60068 Frankfurt  
Germany

آلمان

I.S.V.W  
Postfach 122  
Postamt 1061, Wien  
Austria

اوپیش

I.S.F  
P.B.398  
1500 Copenhagen V  
Denmark

دانمارک

M.A.M  
Postbox 6416  
75139 Uppsala  
Sweden

سوئد

Sepehry  
Postlagernd  
3052 Zollikofen  
Switzerland

سوئیس

A.A.A  
MBE 265  
23, Rue L'ecourbe  
75015 Paris  
France

فرانسه

P.B.22925  
1100 DK Amsterdam  
The Netherlands

هلند

## جنایات حکومت اسلامی به ۴ یا ۸۰ قتل سیاسی محدود نمی شود

یافت که رژیم جمهوری اسلامی با یک بحران سیاسی رو برو گردید، اعتراض و مبارزه مردم علیه رژیم ابعاد گسترده تری به خود گرفت و شکافی عقیق در میان هیئت حاکمه پدیدار شد. در چنین اوضاعی، قتل وحشیانه چهار تن از مخالفین سیاسی و نویسندهان آزاد اندیش توسط وزارت اطلاعات به چنان بحرانی انجامید که رژیم چاره ای جز این ندید که به انجام این قتل های وحشیانه توسط ماموران وزارت اطلاعات اعتراف کند. با این وجود از همان آغاز که نقش وزارت اطلاعات در این قتل ها بر ملا شد، رژیم تلاش نمود که اولا - مسبب این قتلها را چند نفر از اماموران وزارت اطلاعات معرفی نماید که گویا "خود سرانه" دست به آدمکشی زده اند. ثانياً - کوشید، قتل های سیاسی وزارت اطلاعات را به معین چهار قتل محدود نماید. ثالثاً - ادعا شد که این جلادان وزارت اطلاعات، ماموران سازمان های جاسوسی آمریکا و اسرائیل بوده اند تا بدین طریق نقش وزارت اطلاعات را در این جنایات انکار کنند. بجز مورد آخر، هر دو جناح هیئت حاکمه بر سر این توجیهات توافق کردند. خاتمه در محدوده ای که می خواست موقعیت خود را مستحکم تر کند و در وزارت اطلاعات از نفوذ بیشتری بر خوردار باشد، به هدف خود دست یافته بود. گزارش کمته تحقیق آقای رئیس جمهوریانگر این واقعیت بود. اما مردم که به عمق جنایات رژیم و دستگاه های امنیتی و جاسوسی آن آگاهی دارند، ادعاهای رژیم را به مسخره گرفتند. آنها نه پذیرفتند که جلادان وزارت اطلاعات "محفلی خودسر" بوده اند که به میل و اراده خود اقدام به قتل مخالفین حکومت کرده اند و نه پذیرفتند که قتل های سیاسی وزارت اطلاعات به همین چهار مورد محدود بوده است. ادعاهای خامنه‌ای هم مبنی بر دست

در صفحه ۱۴

سال هاست که ارگان ها و نهادهای سرکوب امنیتی، جاسوسی و پلیسی رژیم جمهوری اسلامی به بی رحمانه ترین و وحشیانه ترین شکل ممکن، مردم ایران را سرکوب و کشتار کرده اند. در سراسر دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، دهها هزار تن از مردم ایران به جرم داشتن اعقادات سیاسی و حتی مذهبی متفاوت از هیئت حاکمه دستگیر شده، شکنجه دیده و به حبس و اعدام محکوم شده اند. تعداد کسانی که در این دوران توسط رژیم به قتل رسیده اند سر به چندین هزار تن می‌زند. هزاران تن با پرونده سازیهای بازجو های دستگاه امنیتی - پلیسی و دادگاه های چند دقیقه ای اعدام شدند. گروه کثیری از دستگیر شدگان زیر شکنجه های وحشیانه به قتل رسیدند. گروهی را در جریان درگیری های مسلحه هایشان سر بریدند. گروهی را در داخل و خارج ایران تور کردند و سر انجام این که هزاران زندانی به دستور خمینی در طی چند روز توسط ماموران وزارت اطلاعات قتل عام شدند.

هر چند که به علت گستردگی این سرکوب و کشتار، بخش وسیعی از مردم ایران در جریان این وحشی گری های رژیم و ارگان های سرکوب جنایات و فجایع رژیم و ارگان های سرکوب امنیتی و جاسوسی آن، ابعادی چنان وسیع و تکان دهنده دارد که به نظر می رسد، تها با سرنگونی جمهوری اسلامی، مردم ایران وجهان میتوانند از ابعاد واقعی آن آگاه شوند. معهدا هم اکنون نیز افشاء برخی از این جنایات منجر به چنان رسوایی برای رژیم شده است که حتی به یکی از مناقشه های جناح های رقیب هیئت حاکمه تبدیل گردیده و به سطح پاره ای از روزنامه ها نیز کشیده است. این مسئله از هنگامی به سطح روزنامه ها کشید و در جامعه انعکاس وسیع

### شماره فکس

سازمان فدائیان (اقلیت)

۴۹-۶۹-۵۹۷۹۱۳۵۷

نشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:  
[info@fedaian-minority.org](mailto:info@fedaian-minority.org)



Organization Of Fedaian (Minority)

No. 334 feb2000

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورائی